مدیریت شهری
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015
۱۷۳-۱۹۵
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۸

تبارشناسی تحلیلی تکنولوژی های نوین ساخت جهت هویت بخشی به بناهای معماری با رویکرد زمینه گرایی

محسن فیضی- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.
مریم اسماعیل دخت* - کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

چکیده
هویت و همسویگی طراحی و ساخت معماری با بنیان های فرهنگی و تاریخی از مهمترین موضوعات در حوزه «تبارشناسی تحلیلی» است که در عصر جهانی شدن و گسترش فناوری نیازمند همخوانی بازخوردها و تعاملات «معماری، هویت و تکنولوژی» می باشد؛ چنانچه، امروزه کاربرد معرفت علمی در طراحی معماری و شهر یکی از ابزارهای شهرسازی مدرن است. پیشرفت سریع تکنولوژی و تاثیر آن بر ساخت و ساز شهرها باعث تغییر در شهرها؛ و جبرگرایی و ساده گرایی تکنولوژیکی به عنوان یک رفتار همیشگی غالب گردیده است. از سویی دیگر، عدم هماهنگی و کاربست تکنولوژی در ساخت با هویت معماری و شهر نیازمند بهره گیری از زمینه گرایی در معماری است که در مقاله حاضر مورد اشاره بوده است. این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و روش تحلیل استدلال منطقی انجام شده است که از ابزار گردآوری داده مطالعات کتابخانه ای و اسنادی بهره برده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که در بهره گیری از تکنولوژی های نوین ساخت، همخوانی و همگونگی با ساختارهای فرهنگی و هویت بیشترین اهمیت را دارد که رویکردهای معماری زمینه گرا می توانند رهیافتهای نظری ارزشمندی در این زمینه باشند؛ چراکه پیچیدگی ساخت و تولید معماری شهری نشان می دهد که تکنولوژی، بنیان و اساس کافی برای ساختار شهر نیست؛ هرچند که به ساخت معماری و شهر کمک می کند، اما به تنهایی برای تهیه امکانات و تسهیلات متنوع و نیازهای گوناگون کافی بالاخص در حوزه فرهنگی و هویتی نیست. بر این اساس، فهم عمومی از علم و استفاده آگاهانه از تکنولوژی در تعامل با هویت هر ملت با تاکید بر زمینه های تاریخی، فرهنگی-اجتماعی و زیست محیطی، هم در فهم و تشریح پدیده شهری و هم در شکل دهی آینده معماری شهری تاثیرگذار خواهد بود.
واژگان کلیدی: تکنولوژی ساخت، هویت معماری، معماری زمینه گرایی، پیشنهادات و رویکردهای طراحی زمینه.

Genealogy analytical technology for the identification of new construction buildings architecture with field-oriented approach

Abstract
Identity and neighborhood-based cultural and historical architectural design and construction of the most important topics in the field of Genealogy of analysis in the era of globalization and technological development requires consistent feedback and interaction architecture, style and technology is; If, today, the application of scientific knowledge in the design and architecture of the city is one of the tools of modern urban planning. The rapid advancement of technology and its impact on the construction of cities and towns can change the orientation of technological determinism and simple as a habitual behavior has been dominant. Lack of coordination requires the use of technology in the fields of architecture and identity oriented architecture that has been mentioned in this article. This study was conducted analytical and logical reasoning Analysis of Data and Documents library studies benefited. The results of this study suggest that the use of modern technologies in construction, infrastructure compatibility and similarity of culture and identity is of utmost importance. Because the complexity of manufacture and urban architecture shows that technology is the foundation and basis for the structure of the city; Although it helps to build the architecture and the city, but only to provide adequate facilities and various and diverse needs of not culture and identity. Public understanding of science and intelligent use of technology in dealing with identity, with emphasis on the historical background, cultural, social and environmental impact will be on understanding and explaining urban phenomenon.
Keywords: technology, architectural identity, context-oriented architecture, design proposals and approaches to the field.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۷۷۰۳۶۱۱۲، رایانامه: Maryam_esmaeeldokht@archiust.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

مقدمه

برمبنـای مطالعـات انجام شـده ایـران در تولید صنعتی و فناورانـه از جایـگاه پایینـی برخـوردار اسـت و دلایـل پاییـن بـودن پایگاه فناورانـه بودن اغلب بـا رویکردهای فنـی و اقتصـادی بررسـی می گـردد و تاکنـون کمتر از حیث فرهنگی و هویتی بررسـی شـده است (قانعی راد، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸). در عیـن حـال، مجموعـه تکنولـوژی سـیر تاریخـی دارد و ایـن رونـد از زمانـی کـه انسـان از چـوب و اسـتخوان بـه عنـوان دسـت‌افزار اسـتفاده می کرد، آغاز شـده و تاکنون با ایجـاد بمبهای نوترونی، فضـای الکترونیکـی و هوش مجازی سـیر تحولات خود را طـی کـرده اسـت. همچنین «فلاسـفه عمومـاً دربارۀ تأثیـر تکنولـوژی بـر فرهنـگ و دیدگاه‌هـای مـردم دربـاره جهـان و نحـوۀ گـذران زندگـی صحبـت کـرده انـد. آنان ایـن تأثیرها را بررسـی کرده و نشـان داده‌اند کـه تکنولوژی کـه به‌ظاهر ابـزاری بیش برای پیشـبرد اهدافمـان نیسـت بـه تدریـج روشـها و دیدگاه‌هـای خاصـی را بـه کاربـران خـود تحمیـل کـرده و ازاین رو زندگـی آنـان را متحـول می‌سـازد» (ناجـی، ۱۳۹۲، صـص ۹۳-۹۴). از اوایـل قـرن ۱۷ میلادی، نـگاه نویی در جهـان شـکل گرفـت که منجـر به پیدایـش عالمی شـد کـه بـه آن «عالـم تکنیک یـا صنعت» مـی گوییم کـه سـرآغاز دوران جدیـد و مبـدأ انقـلاب تکنولوژیک مـدرن شـد کـه متفـاوت از عالـم دسـت‌افزارهای صنعتـی کهن اسـت (قانعـی راد، ۱۳۸۸). این جهان نو به دسـت بشـری سـاخته شـد که یـک نسـبت خاصی بـا هسـتی و جهـان و خـودش پیـدا کـرده بـود. حضور تکنولـوژی در عرصه‌هـای مختلف از شـکل گیری تفکر اولیـه، فرآینـد تکامل تفکر، فرآیند طراحی و سـاخت تا بهره‌بـرداری از اثـر بـه اشـکال مختلفـی می‌باشـد و با ایـن حضـور تاثیرات مختلفـی را بر معمـاری می گذارد. امـروزه نـگاه بـه تکنولـوژی در معمـاری ایـران تنهـا از زاویـه کمـی و فیزیکـی می‌باشـد و معمـولاً از ابعـاد غیرفیزیکـی آن (منجملـه ارتبـاط بـا آن بـا هویـت و فرهنـگ) غفلـت می گـردد. تکنولـوژی را برخـی، ابـزار صـرف پنداشـته که خنثـی و بی‌اثر می‌باشـد و تاثیری را از جانـب آن بـر آثـار و محیـط پیرامونـی آن متصـور می‌باشـند (ر. ک: وفامهـر، ۱۳۹۲؛ وفامهـر، ۱۳۹۱؛ رهبرنیـا و رهنـورد، ۱۳۸۵). ایـن در حالـی اسـت که از طرفـی تفکـر تکنولوژیکـی انسـان معاصر کـه برآمده از تغییـرات صـورت گرفتـه در عرصه‌های نظـری و عملی بعـد از انقـلاب صنعتـی می‌باشـد، تمـام حـوزه هـای زندگـی انسـان معاصـر را تحـت تاثیر خـود قـرارداده و دگرگـون سـاخته اسـت؛ و از طـرف دیگـر، همانگونـه کـه در روانشناسـی محیطـی بـه اثبـات رسـیده اسـت کلیـه عناصـر محیطـی و پیرامونـی روی انسـان تاثیـر مـی گذارنـد؛ لـذا حضور فرآینـد و آثـار تکنولوژیکی در محیـط نیـز بی‌تاثیـر بـر انسـان و هویـت نمـی باشـد. در عیـن حـال، معمـاری کـه آمـده از تفکـرات، آرمانها و نیازهـای انسـان مـی باشـد، در صـورت تغییـر در بینـش، ارزش و نیازهـای انسـان دگرگـون مـی گـردد کـه ایـن دگرگونـی را در طـول حیات آدمی بسـیار می تـوان دیـد. امـا آیـا ایـن دگرگونی هـا همـواره تکاملی و مثبـت بـوده اسـت؟ بالاخـص اگـر مبانـی فکـری و نظـری متضـاد بـا مبانـی معمـاری موجـود در آن بکار گرفتـه شـود نتیجـه دگرگونـی هـا چـه خواهـد بـود؟ آیـا تکنولـوژی مدرن در مقایسـه بـا تکنولوژی سـنتی ملتـزم به هویـت و ارزشـهای فرهنگی و زیرسـاختهای ماهـوی دارای چنیـن موقعیتی اسـت؟ (گلـن، ۱۳۸۸). آیـا ایـن دو تکنولـوژی بـر مبانـی متفاوتی اسـتوار بوده و ارزشـهای مختلفـی را بـا خـود منتقـل می‌نمایند؟ با توجـه به نقش بسـیار مهـم تکنولوژی در معمـاری، آیا نـوع و چگونگـی به کارگیری آن بر محتـوا و هویت آثار معمـاری تاثیر می گذارد؟ آیـا ارزش‌های معماری تحت تاثیـر تکنولـوژی بـوده و نـوع و چگونگـی به کارگیـری تکنولـوژی بـر آنها تاثیـر می گذارند؟ تکنولـوژی مدرن در عرصه‌هـای مختلـف معمـاری معاصر ایـران، از تفکر گرفتـه تـا فرآینـد طراحی و سـاخت و در نهایـت در اثر نهایـی حضـور جـدی دارد و آثـار خـود را در فضاهـا و اشـکال معمـاری معاصر نمایان سـاخته، امـا از تاثیرات آن غفلـت شـده و بـدان بـه مثابـه ابـزاری خنثـی و بی اثـر نگریسـته شـده و ایـن درحالی اسـت که اثـر تفکر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

تکنولـوژی مـدرن حتی بر شـیوه آموزش معمـاری نیز آشـکار اسـت (گلابچـی و شـاهرودی، ۱۳۸۹؛ به نقل از پایـگاه تبیـان). لـذا مباحثی کـه پیرامـون تکنولوژی و سـازه مناسـب در برخـی از آثـار، بالاخـص در معماری معاصـر غـرب مطـرح مـی گـردد، دلیلـی بـر پذیـرش مبانـی نظـری آن نبـوده بلکـه تاکیـدی بـر چگونگـی هـم آوایـی تکنولـوژی و سـازه با معمـاری در راسـتای مبانـی مـورد نظرشـان می باشـد و هدف، یافتن شـیوه دسـت یافتـن بـه چنیـن مقصـودی مـی باشـد. در این دیـدگاه معمـاری عنصـری هویت سـاز بـرای انسـانی هویت پـرداز، تصـور می شـود که می بایسـت بـه غنای فرهنـگ امـروز اجتمـاع بیفزایـد و به مثابـه وجودی در برابـر خویـش، فرهنـگ سـازی نماید.

بـا ضرورتهـای گفتـه شـده و در ایـن مقالـه ایـن مقوله موردنظـر قـرار گرفته اسـت؛ چراکه مفهـوم یابی هویت در معمـاری، مداقه در برون رفـت از بی هویتی معماری را به عنـوان عنصـری کـه خود بایسـتی فرهنگ سـازی کنـد، را دوچنـدان می کنـد، بـه همین دلیل اسـت که معمـاری خـود نمایان کننـده فرهنـگ جامعـه بشـمار مـی رود و زمینه هـای اجتماعـی و فرهنگـی بناهـای معمـاری بایـد در طراحـی و بکارگیـری تکنولوژی های معمـاری مـورد توجه باشـد کـه در ادامه در ایـن مقاله مـورد اشـاره قرار می گیـرد. در مقاله حاضـر به موضوع هویـت در معمـاری و جایـگاه معمـاری زمینه گـرا در کاربسـت تکنولـوژی معمـاری پرداختـه مـی شـود و ماهیـت هویـت بخشـی بـه معمـاری همـگام بـا بهـره گیـری از تکنولـوژی معمـاری مورد اشـاره بوده اسـت.

مواد و روشها

از انجـا که رویکـرد مقاله حاضر «رویکـردی تبیینی» و «غیراکتشـافی» اسـت، و پژوهش حاضـر ماهیت نظری دارد؛ لـذا روش تحقیـق مقاله حاضر «روش اسـنادی» و «روش توصیفـی» اسـت کـه از ابـزار مطالعـات کتابخانـه ای و اسـناد و مـدارک موجـود در سـایتها و درگاه هـای اینترنتـی و مطالعـات نظـری در ایـن رابطه بهـره بـرده اسـت. همچنیـن از «روش فراتحلیـل» در جمعبنـدی مطالعات و مبانی نظـری و «روش تحلیلی» در تحلیـل دیدگاه هـا و افـکار، پیرامـون برهمکنـش ارتبـاط «تکنولوژی، معماری و هویت»، اسـتفاده شـده اسـت. روش فراتحلیـل بـا جمعبنـدی مبانـی نظـری و تحقیقـات انجـام شـده دربـاره ماهیـت تحقیـق، ابعـاد مرتبـط بـا موضـوع را مـورد ارزیابـی قـرار داده و لذا در ایـن مقالـه بـه ارتباط فـی مابین هویـت، تکنولـوژی و زمینه هـای اجتماعـی پرداختـه شـده اسـت.

مبانی نظری

مفهـوم تکنولـوژی را می تـوان از جنبه هـای گوناگـون و بـا رویکردهـا ی مختلـف مـورد توجه قـرار داد. توجه بـه جنبه هـای مختلـف علمـی، فلسـفی، اجتماعـی، فرهنگـی و حتـی اخلاقی و سیاسـی تکنولـوژی روز به روز پررنگتـر و پردامنه تر می شـود. امـروزه رویکردهای فلسـفی بـه تکنولـوژی اهمیـت بالایـی یافتـه اسـت (اسـدی و موسـوی مهر، ۱۳۸۹، ص ۷۰)؛ چنانچـه اولیـن فیلسـوفانی کـه «فلسـفه تکنولـوژی» را مطـرح کردنـد و یـا به نحـوی زمینه سـاز ایـن تفکـر شـدند، فیلسـوفان مـدرن هسـتند کـه زمینه هایـش توسـط «فرانسـیس بیکـن»، «گالیلـه» و دیگـر متفکـران دوره رنسـانس ایجـاد شـده بـود. انقـلاب صنعتـی، انقلابـی نبـود کـه بـه قـرن خاصـی منتهـی شـود، ایـن انقلاب زمینه سـاز انقـلاب هـای مـدرن در قرن-هـای حاضـر شـد کـه از آن جملـه مـی تـوان بـه «انقـلاب فنـاوری اطلاعـات» بـه عنـوان علم و تکنولـوژی روز دنیا اشـاره کـرد کـه در آینده می-تـوان انقلاب هـای بزرگی مانند «انقـلاب ژنتیـک»، «تکنولـوژی پلاسـما»، «انقـلاب الکترونیکـی هـوش هـای مصنوعی» و «عصـر مجازی» را، کـه همگـی زاییده اندیشـه ای اسـت کـه موتورهای آتشـین (انقـلاب صنعتی نخسـتین) را به پیدایـی آورد، نظاره گـر شـد. ایـن انقلابهـا بی-تردید بـه زودی جهان را زیـر رو خواهـد کـرد. حتـی می تـوان گفـت کـه نوع روابـط انسـانی نیـز چنان که «کویـن کلـی» و «مانوئل کاسـتلز» و دیگـر فن شناسـان معاصر دگرگـون خواهد شد .

تکنولـوژی ریشـه یونانـی دارد و از دو واژه Techne و Logic تشـکیل شـده اسـت. «تخنـه» بـه معنـای هنر،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

مهارت و آن چیزی است که آفریده دست انسان است و در مقابل Arche به معنای آفریده خدا است. «لوژی» در یونان قدیم به معنی دانش و خِرد به کار رفته‌است. به این ترتیب می‌توان گفت که تکنولوژی به معنای آمیزه هنر و مهارت با دانش است. می‌توان گفت که انسان خردمند در تعامل با طبیعت به قوانین عام آن دست می‌یابد و با بازآفرینی این قوانین توسط علم و دانش در محیط و شرایط دلخواه کاربردهای مورد نظر خود را ایجاد می‌نماید (محمودنژاد، ۱۳۸۰؛ بنقل از ویکی پدیای فارسی: دانشنامه آزاد، برداشت: ۱۳۹۳). «ارنست کاپ» در کتاب «فلسفهٔ تکنولوژی» در سال ۱۸۷۷ احتمالاً اولین کسی بود که ارتباط بین نارسایی های اندامی انسان و هوش مبدع و نوآور او را متذکر شد. کمی بعد از آن فیلسوف زبان، «لودویگ نویره» در کتاب «ابزار» در سال ۱۸۸۰ نوشت: «آنگاه انسان از طبیعت آزاد شد زیرا او خالق خود گردید، اعضای خود را آفرید، یک ابزارساز شد، یک حیوان ابزارساز.» (گلن، آرتور، ۱۳۸۸). کلمهٔ «تکنیک »در اصل فرانسوی و به معنی فن، صنعت، علم، هنر و حرفه است؛ همین طور به فن شناسی، علم فن و صنعت، تکنولوژی گفته می شود. در عین حال نظرات متفاوتی بر محدودهٔ مفهوم تکنولوژی وجود دارد؛ از جمله تعریفی که علم را درون تکنولوژی جای می دهد «کاربرد دانش علمی و دانش: منظّم دیگر برای امور عملی بوسیلهٔ سیستمهای منظّمی که شامل مردم، سازمانها، اشیاء زنده و ماشینها می شود» (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). یکی از پیامدهای پیشرفت تکنولوژی یکسان و یکنواخت شدن معماری در نقاط مختلف کشور است. درحالی که پیش از این شکل ساختمانها، بافت محله ها و ساختار شهر گویای ویژگی های فرهنگی و ذوقهای بومی ساکنان آنها بود؛... زیرا سیستم تکنولوژی طوری تعریف شده است که در برابر خصیصه های فرهنگی و محلی حساسیت چندانی نداشته باشد (جعفری و مهدوی پور، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

از سویی دیگر، بر اساس نظرات «پل آلسبرگ» در کتاب «معمای انسان» در سال ۱۹۲۲، «خوزه ارتگای گاست» در کتاب «انسان، موجود ناکجا آبادی» در سال ۱۹۵۱ باید گفت که تکنولوژی ناشی از کاستی های اندامی انسان است که به توصیف این امر پرداخته است که انسان در هر محیط طبیعی ناقص، به موجب فقدان اندام ها و غریزه های مناسب، چگونه قادر نیست به موجودیت خود ادامه دهد و در نتیجه چگونه باید برای بقای طبیعی خود با تعبیر هوشمندانه در شرایط پیرامون خود تغییراتی به وجود آورد. کاربرد اسلحه و جنگ افزار، آتش و فنون شکار به این ترتیب مربوط است به نمونه های رفتاری طراحی شده برای حفظ نوع انسان؛ به طوری که واژهٔ تکنولوژی باید دلالت کند بر ابزارهای واقعی و مهارت های مورد نیاز برای آفرینش و کاربرد اموری که برای این موجود دارای فقر غریزه و ناقص امکان حفظ خویشتن را فراهم کند (گلن، ۱۳۸۸). دو گروه عمده از اندیشمندان علوم اجتماعی، سعی کرده‌اند در پاسخ به سؤالات مذکور و همچنین تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی که متأثر از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی است، به تبیین آنها پرداخته و تئوری فراگیری را در این زمینه ارائه کنند. گروهی عصر جدید را سرآغاز کنترل‌های بی‌رحمانهٔ شهروندان معرفی می‌کنند و در عین حال که به هیچ‌وجه اهمیت کلیدی اطلاعات را در دنیای جدید انکار نمی‌کنند و حتی از پذیرش جامعهٔ اطلاعاتی برای عصر رسانه‌های ارتباطی جدید بیمی به خود راه نمی‌دهند[1]، اما بر استمرار مناسبات حاکم بر جامعه و ثبات آن از گذشته تاکنون اصرار می‌ورزند. نظریه‌پردازان این

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: گلن، آرتور (۱۳۸۸) تکنولوژی به عنوان پدیده‌ای فلسفی، مترجم: منوچهر صانعی، ماهنامه حکمت و معرفت، شماره ۷، پیاپی ۳۷. و همچنین می توانید رجوع کنید به: وفامهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

گـروه عبارتنـد از:

۱. «مارکسیست‌های نو»: هربرت شیلر؛

۲. «نظریـۀ مقررات‌گـذاری» (Regulation theory): مایـکل آگلیتا و آلـن لیپیتز؛

۳. «نظریـۀ انباشـــت انعطاف‌پذیـــر» (Flexible Accumulation): دیویـد هـاروی؛

۴. «نظریـۀ دولـت- ملـت و خشـونت»، آنتونـی گیدنـز؛

۵. «نظریـۀ عرصـۀ عمومـی»، یورگـن هابرمـاس (همـان، ۱۳۸۸).

علی‌رغـم ناگزیری انسـان معاصـر از رویارویی با مظاهر تکنولوژیـک در زندگـی، امکان رعایت حـد و مرزها و یا غرقه شـدن در ایـن مظاهر، کـه همان گم شـدن هدف و جابجایـی مقصد با مقصود اسـت وجود دارد؛ لیکن در شـکل مطلـوب و دسـت یافتنی، مکمل بـودن ایده های والا و ابـزار تکنولوژیـک تسـریع و تسـهیل کننـده در هنرهـا را داریـم (رهبرنیا و رهنـورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵). از سـویی دیگر، گـروه دیگر نظریه پـردازان، عصر حاضر را طلیعـۀ جامعـه‌ای سرشـار از تخصـص و مراقبـت مطلـوب از همـه چیز در تعامـل با تکنولـوژی می‌دانند و مدعی‌انـد نـوع جدیـدی از جامعـه ظهور کرده اسـت کـه بـا گذشـته کامـلاً متفـاوت اسـت. از نظـر ایـن گـروه، در ایـن جامعـه حاکمیـت اصلـی بـا رسـانه‌های الکترونیـک اسـت. نظریـه و نظریه‌پـردازان عمـده ایـن گـروه عبارتنـد از:

۱. «نظریۀ فراصنعتی»، دانیل بل و پیروان او؛

۲. «نظریـۀ پست‌مدرنیسـم»، ژان بـو دریـار، مـارک پاسـتر؛

۳. «تخصصی‌سـازی انعطاف‌پذیـر»، میشـل پیـور، چارلز سـیبل؛

۴. «نظریۀ شـیوه اطلاعاتی توسعه» (Information mode of Development)، مانویل کستلز.

پـس تکنولـوژی نتیجـۀ گرایـش و تمایـل همیشـگی انسـان بـه قدرتمندانه‌تریـن شـکل از رفـع نیازهـای زیسـتی‌اش بـوده کـه بـا سـیر تاریـخ، توسـعه یافتـه و تمامـی وجـوه زندگـی را تحت تأثیر قرار داده اسـت. در عیـن حـال کمیـت در جوامع انسـانی، نیـاز روز افزونی را بـه گسـترش تکنولـوژی در پـی مـی آورد (رهبرنیا و رهنـورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). در هرحـال، امـروزه سـه تعریـف مطـرح تکنولـوژی وجـود دارد کـه عبـارت از: «تکنولـوژی بـه عنـوان سـخت افـزار، تکنولـوژی بـه عنـوان نـرم افـزار و تکنولوژی بـه عنوان نهاد» هسـتند (گلـن، آرتـور، ۱۳۸۸، ص ۵۶):

۱. **«معمـاری و تکنولوژی به عنوان سـخت‌افزار»**: عینی‌تریـن تعریـف بـرای تکنولـوژی تعریـف آن بـر حسـب سـخت افزار یـا ابزارهـا و ماشینهاسـت. در این منظومـه، نیروگاه هـای بـرق، رایانه هـا و کارخانه هـا به عنـوان تکنولوژی هـا لقـب می گیرنـد. ایـن تعریـف از تکنولـوژی عینی‌تریـن، صریح‌تریـن و انضمامی‌تریـن تعریـف تکنولوژی اسـت. ایـن تعریف با وجـود وضوح و صراحـت بـدون عیب و ایراد نیسـت و یکـی از ایرادهای آن ایـن اسـت کـه برخـی از تکنولوژی هایـی را کـه نه ابـزار و نه ماشـین هیچ کدام نیسـتند در بـر نمی گیرد. یـک نمونـه از تکنولوژی غیرسـخت افـزاری تکنولوژی رفتـاری «اسـکینر» اسـت کـه وی بسـیار بـر آن تأکید داشـت، ولـی نمـی تـوان آن را بـه عنـوان سـخت افزار مدنظر قـرار داد.

۲. **«معمـاری و تکنولـوژی به عنوان نـرم افزار»**: «ایلـول» فیلسـوف معـروف تکنولـوژی بـا تقابلـی کـه میـان سـخت‌افزار و نـرم افـزار وجـود دارد، تعریفـی نرم‌افزارانـه از تکنولـوژی ارائـه کـرد و آن را امتزاجـی از ابزارهـا و نسـبتها مدنظـر قـرار داد. حتـی «ماکـس وبـر» هـم بـا ارائـه مفهـوم عقلانی سـازی ماننـد ایلول ظهـور غـرب را بـر حسـب نظامـی نـرم افـزاری توجیه کـرد. در ایـن نظـام البتـه ابزارهـا و ماشـین ها نقشـی محـوری را دارا نیسـتند و نظامـی کـه مبتنی بـر قواعد هـدف - وسـیله اسـت، هدایـت منظومـه را بـر عهـده دارد. بدین گونـه بـود کـه تکنولـوژی به مثابـه نرم‌افزار و قواعـد مطـرح گشـت. ایـن دیـدگاه نرم‌افزارانـه از تکنولـوژی، از آن جهـت قابـل توجیه اسـت که سـخت افـزار همیشـه در ارتبـاط بـا کاربـرد انسـانی و فهم وی تکنولـوژی نـام یـرد و نمونـه هـای فراوانـی از وجـود

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

سخت افزار را در جوامع گوناگون شاهد بودیم، بدون آنکه این سخت افزارها نظامی تکنولوژیک را به وجود آورند. در این نگاه فکر و ایده و اندیشه ای که پشت سر ابزارهای تکنولوژیک قرار دارند، تکنولوژی نام می گیرد. تکنولوژی به عنوان نهاد: این موارد برخی از متفکران و فیلسوفان تکنولوژی را بر آن داشت که به دنبال تعاریف دیگری از تکنولوژی برآیند. برخی تکنولوژی را مجموعه ای از نهادهای اجتماعی دانستند. تعریفی که در این باب ارائه شده است این است که تکنولوژی کاربرد دانش علمی یا دانشها دیگر برای نقش های عملی از طریق نهادها و نظام های هدف مندی است که با انسانها و نهادها و ماشینها در ارتباط است. این تعریف که بسیاری آن را می پذیرند گاهی رویکرد نهادهای تکنولوژیک به تکنولوژی لقب می گیرد. نهاد تکنولوژیک مجموعه ای است از سخت افزار، دانش، مخترعان، اپراتورها و افراد تعمیرکار، مشتریان، بازارها، آگهی دهنده ها و نمایندگان دولتی که همه در امر تکنولوژی دخالت دارند. رویکرد نظام تکنولوژیک از همه تعاریفی که تاکنون در این مقال از تکنولوژی ارائه شده اند و در فلسفه تکنولوژی مطرح هستند مسلط تر است، زیرا این رویکرد سعی می کند، اجزای مختلف تکنولوژی را در نظر بگیرد (گلن، ۱۳۸۸).

در زمینه ظهور و گسترش تکنولوژی مدرن چند نکته اساسی وجود دارد که سبب ظهور فلسفه تکنولوژی شد (عبدالکریمی، ۱۳۸۷):

۱- غالباً این تلقی غلط وجود داشته و دارد که «انقلاب صنعتی»، «انقلاب در صنعت» بود و ظهور تکنولوژی جدید به منزله اختراع و کاربرد پاره یی از ابزارها و وسایل جدید در امر تولید، بهره برداری از طبیعت، حمل و نقل، ارتباطات بوده است اما برخی از متفکران غربی، همزمان با ظهور انقلاب صنعتی دریافتند این انقلاب صرف انقلاب در صنعت نبود و چنین نبود که با ساخته شدن دیگ های بخار صرفاً ابزار یا ابزارهایی جدید به ابزارهای گذشته افزوده شود بلکه انقلاب صنعتی انقلاب در همه چیز بود و ظهور تکنولوژی جدید سبب تحولات بنیادین در همه حوزه های اجتماعی، سیاسی، دینی، فلسفی، فرهنگی شد؛ تا آنجا که صورت بندی اجتماعی و تاریخی را ابتدا در جوامع غربی و سپس در کل جهان تغییر داد و هیچ حوزه یی از حوزه های حیات فردی و اجتماعی، از جمله روابط خانوادگی، جنسی یا اخلاقی نبود که تحت تاثیر و سیطره تکنولوژی قرار نگرفته باشد. به بیان دیگر، با انقلاب صنعتی و تکنولوژی مدرن «عالمیت عالم» تغییر کرد، کره زمین برای نخستین بار رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و یک دوره تاریخی جدیدی در حیات بشر آغاز شد. تامل و تفکر در باب این دوره جدید تاریخی و این تحول در «عالمیت عالم»، امری فنی و تکنیکی و در حوزه فعالیت مهندسان، صنعتگران، سرمایه داران، مدیران دولتی یا اصحاب قدرت سیاسی نبوده بلکه محل امعان نظر بسیاری از فیلسوفان و متفکران و در حوزه خاصی به نام فلسفه تکنولوژی بوده و هست. این متفکران و فیلسوفان هستند که می توانند با تاملاتی نظری و فلسفی به ما بگویند با ظهور تکنولوژی جدید چه تحولاتی در نحوه نگرش ما به جهان، معنای جهان و معنای خود انسان و زندگی و نسبت آدمی با هستی صورت پذیرفته است و فرهنگ و تمدن از تکنولوژی مدرن چه تاثیرات ژرف وجودشناختی و انسان شناختی پذیرفته است. تاثیراتی که در هیچ یک از تمدن های پیشین مشاهده نمی شود.

۲- نکته دیگر اینکه علم و تکنولوژی جدید، در کنار و پابه پای ظهور جهان بینی عصر «روشنگری» شکل گرفته است. در دوران ما علم و تکنولوژی جدید همواره از بدو تولد، مهم ترین ابزارهای تحقق آرمان های عصر روشنگری تلقی شده و می شود. آزادی انسان از هرگونه اسارت و سعادت این جهانی وی روی کره خاک از بزرگ ترین و مهم ترین آرمان های عصر روشنگری بوده است. به تعبیر ساده تر، قرار بود علم و تکنولوژی مدرن بشر را به سعادت و آزادی برساند اما حال این پرسش به نحو بسیار

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

جـدی وجـود دارد کـه آیـا علـم و تکنولـوژی جدیـد به راسـتی توانسـت آزادی و سـعادت راسـتین را بـرای آدمـی محقـق سـازد یـا خـود بـه ابـزاری بـرای ظهـور اشـکال جدیـدی از اسـارت و سـلطه بـر آدمـی و ظهور دردهـا و رنـج هـای تازه یـی بـرای وی منتهـی شـده اسـت (همـو، همـان، ۱۳۸۷).

۳- نکتـه آخـر در ارتبـاط با ظهـور حوزه یـی از تاملات تحـت عنـوان فلسـفه تکنولـوژی ایـن اسـت کـه این با «مارتیـن هایدگر» متفکر بزرگ آلمانی در قرن بیسـتم اسـت کـه بـرای نخسـتین بـار پرسـش از «چیسـتی و سرشـت تکنولـوژی» جدیـد مطـرح می شـود و بدیـن ترتیـب، تکنولـوژی به نحـو صریح و آشـکاری بـه منزله موضـوع و متعلق تفکر فلسـفی قرار می گیرد و آشـکارا سـخن از «فلسـفه تکنولـوژی» بـه میـان می آیـد. قبل از هایدگـر هیچ کـس صراحتـاً از فلسـفه تکنولـوژی و پرسـش از سرشـت و ماهیت تکنولوژی سـخن به میان نیـاورده بـود امـا ضمـن بـه رسـمیت شـناختن مقـام هایدگـر و نقـش پیشـتاز آن در قـوام یافتـن شـاخه یی مطالعاتـی بـا عنـوان فلسـفه تکنولوژی، همچنیـن باید بـه ایـن نکتـه توجـه داشـت کـه از همـان آغـاز ظهور عقلانیـت مدرن توسـط متفکرانی چـون گالیله، دکارت و نیوتـن، یعنـی ظهـور عقلانیتـی کـه طبیعـت را بـه امـور محسـوس و مـاده و حرکـت محـدود کـرده، وجه کمـی و محاسـبه پذیـر اشـیا و پدیدارها بـه منزله مهم تریـن وصـف آنـان تلقـی شـد و از همـان آغـاز ظهـور علـم و تکنولـوژی مدرن کـه بر اسـاس عقلانیت جدید شـکل گرفـت، همـه متفکـران بـزرگ غربـی، سـلباً یـا ایجابـاً علـم، تکنولـوژی و تفکـر علمـی و تکنولوژیک را مـورد تامـل قـرار داده انـد. آنـان چارچوب تفکـر علمی و تکنولوژیـک را یـا بـه منزله اصیل تریـن صورت تفکر پذیرفته انـد و الگوهـای علمی و تکنولوژیـک را به مثابه صحیـح تریـن الگـوی معرفـت و دانـش تلقـی کرده اند یـا آنکـه کوشـیده اند بـه نقد علـم و تفکـر تکنولوژیک جدیـد پرداختـه، محدودیت هـا و نقصان هـای آن را نشـان دهند (همـان، ۱۳۸۷).

در همـه متفکـران بـزرگ غربـی در دوره جدیـد، می تـوان از نوعـی فلسـفه علـم و فلسـفه تکنولـوژی ضمنـی سـخن گفـت. هرچنـد کـه آنـان صراحتـاً و آشـکارا از فلسـفه علـم یـا فلسـفه تکنولـوژی سـخن نگفته باشـند. بـرای نمونه در مقاومت رمانتیسـت هایی چـون «گوتـه»، «نوالیـس»، «ریلکـه» یـا «هولدرلین» در برابـر تکنولـوژی جدیـد، در انتقـادات «مارکـس» از سـرمایه داری، در نقدهـای «کی یرکه گـور» از تفکـر علمـی و ابژکتیـو، در نقدهـای «نیچـه»، «هوسـرل» یا ویتگنشـتاین: از فرهنـگ و تمـدن مـدرن مـی تـوان خطوطـی از نوعـی فلسـفه تکنولـوژی را ردیابـی کـرد امـا ایـن در تفکـر هایدگر و در آثـار برخـی از متفکران بعـد از او، بـه خصـوص در «مکتـب فرانکفـورت» و در اندیشـه های متفکرانی چون «والتـر بنیامین»، «تئودور آدورنـو»، «هورکهایمـر»، «مارکـوزه»، «هابرمـاس» که جملگـی نیـز تحـت تاثیـر هایدگـر بـوده اند، اسـت که فلسـفه تکنولوژی و اندیشـیدن در باب تکنولوژی جدید

جدول ۱. نگرشها در شکل گیری هویت فردی در ارتباط با جهان خارج؛ ماخذ: پورجعفر، ۱۳۹۱، ص۸۲.

شکل گیری شخصیت و هویت فردی		
دیدگاه ها	نظریه پردازان	نوع نگرش
هویت محصول جنبه های درونی – غریزی	فروید، یونگ، ماری	سوژه شکل دهنده به ابژه
هویت محصول محیط مادی و اجتماعی	اریک فروم، سولیوان	ابژه شکل دهنده به سوژه
تعادل میان محیط درون و بیرون	آدلر، هورنای، مورفی	توازن سوژه و ابژه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

صراحت بیشتری یافته، بخشی از آثار آنان را به خود اختصاص می دهد[1]. در این باب توجه به مفهوم هویت فردی در تقابل با جهان خارج از آن جهت مهم است که تکنولوژی به مثابه عنصری برون دادی تاثیراتی شگرف بر شکلگیری شخصیت فردی و در نهایت بر آثار مصنوع بشری و منجمله معماری دارد؛ چنانچه در تحقیقات مختلف هویت به مثابه هویت درونی- غریزی و محیطی- مادی و تعامل درون و بیرون مورد توجه بوده است (جدول شماره ۱).

تکنولوژی و فلسفه

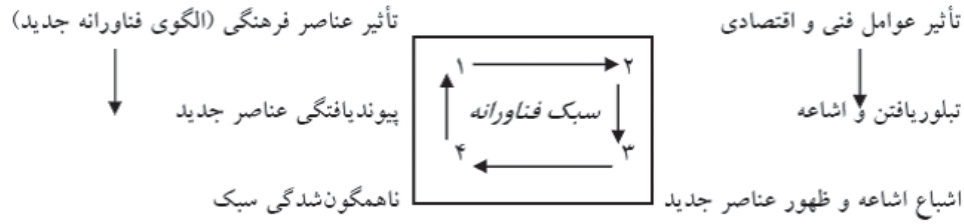
خاستگاه اولیه بحث به کتاب «هستی و زمان» بر می گردد که هایدگر در این کتاب تحلیلی از نقش و جایگاه وسیله در زندگی انسان و ارتباطی که انسان با آن برقرار می کند، ارائه می دهد. هایدگر در مقاله‌ای که پس از جنگ جهانی دوم می نویسد و به «پرسش از فناوری» معروف است، این تفکر را پی می گیرد. او فناوری را بر علم مقدم می داند و معتقد است تفکر جهان مدرن گونه‌ای تفکر فناوریک است که جهان را به عنوان منبع انرژی و وسیله‌ای برای استفاده در نظر میگیرد (محمودی نژاد، ۱۳۸۹؛ ر. ک: پدیدارشناسی مکان، پیوست دوم). علم نیز به عنوان ابزاری برای این فناوری و اهداف آن وارد صحنه شده است[2]. مدعای هایدگر این است که فناوری به صورت بی رحمانه‌ای گوی سبقت را از ما برده است. ما در تغییر کل این جهان به کار گمارده شده‌ایم تا محصولات خام را به فرآیندهای تکنیکی مبدل سازیم. به تعبیر دیگر هایدگر هر چند خاستگاه تفکر تکنیکی را به یونان باستان می برد هنوز میان «تخنه و صنعت یونان» با «فناوری جدید» تمایزی آشکار می بیند. در جهان جدید این انسان نیست، بلکه ابزارگرایی است که این عمل را صورت می دهد. این کار صرفاً قصدی انسانی نیست بلکه راهی ویژه است که در آن وجود خودش را از طریق قصد انسانی ظاهر و مخفی می سازد. از این سخن گونه‌ای «دترمینیسم تکنولوژیک» هم استنباط می شود؛ چراکه تقدیر بر این قرار گرفته که وجود در جهان جدید به شیوه‌ای خاص بروز داشته باشد. شکی نیست که هایدگر در این مدعا که فناوری مدرن بیشتر از فناوری سنتی مخرب است بر حق است.

«هانس فریر» در کتاب «سلطهٔ مقولات فنی بر زیست جهان جامعهٔ صنعتی» بر این باور است که تکنولوژی عصر صنعتی مناسب توصیف کل تکنولوژی قبل از قرن هجدهم نیست؛ یعنی اینکه مصنوعات انسانی، مناسب وسایل و ابزارهایی باشد که بتواند اهداف و غایات زندگی او را به تحقق رساند و آنگاه آنها را اصلاح کند تا جایی که در خدمت اغراض او قرار گیرند. معنی تکنولوژی، مطابق این دستور عبارت است از به خدمت گرفتن آن، برای دستاوردهای موفقیت آمیز در آنچه انسان می‌خواهد

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۷) فلسفه تکنولوژی چیست؟، روزنامه اعتماد، شماره ۱۸۵۱. و ر. ک: اسدی محمدرضا و مهدی موسوی مهر (۱۳۸۹) ماهیت تکنولوژی در فلسفه هایدگر، نشریه حکمت و فلسفه، سال ۶، شماره اول. و ر. ک: وفامهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه‌های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

۲. به عنوان مثال، اگر افزار نوشتن را مصداق این امر بگیریم، به نحوی روشن تر می توانیم هم نقش مثبتی را ببینیم که اشیاء تکنولوژیک می توانند ایفا کنند و هم خطر خاصی که این اشیاء پیش می نهند و «بورگمان» حساسیت ما را نسبت به آن برانگیخته است. اسلوب افزارهای نوشتن نیز هم‌چون «پل ها و معماری و بناهای ساخته شده شهری» جای آنها را در تاریخ هستی باز می تاباند. خودنویس از ما می‌طلبد که برای کسی بنویسیم که شخصیت دست خط ما برای او علی السویه نیست. به هنگام درگیری با کاربست هایی که خودنویس را مهم می نمایند، موضوعاتی که برای ما اهمیت دارند چیزهایی هستند از قبیل برنامه های زندگی، هویت های ثابت، شخصیت، جهان بینی و مانند آنها. ما سوژه هایی هستیم که با سوژه های دیگر سر و کار داریم. لیکن اگر ما صرفاً برای انتقال اطلاعات درصدد ثبت امور تجاری یا نوشتن گزارش امور واقع باشیم، ماشین تحریر بهتر به کارمان می خورد. واژه‌پردازی که با انعطاف بسیارش به شبکه وصل است، از ما می طلبد که برای فرآوری مقالات تحقیقی فنی یا دانشگاهی ای که وارد شبکه ای از مراودات و گفت‌وگوها خواهد شد از میان شمار عظیمی از گزینه ها انتخاب کنیم. شما به هنگام کاربرد واژه‌پرداز رایانه ای از احساس این موفقیت گریزی ندارید که دیگر لازم نیست از بابت چیزهایی چون پاک کردن، دوباره تایپ کردن و در واقع بریدن و چسباندن ها برای نقل و انتقال متن و پست کردن محصول نهایی نگران باشید. اما همان طور که بورگمان اشاره کرده است ابزار خنثی نیست؛ ابزار پر امکاناتی که خود را بر ما آشکار، می کنند اثر می گذارد. اگر کسی واژه‌پردازی مدرن داشته باشد، متن برای او دیگر اثری نمی نماید که کسی باید بدواً آن را تمام کند و سپس منتشر شود. متن از خلال پیش نویس های بسیاری که هیچ کدامشان نهایی نیستند، رو به کمال می رود. آنجا که اشخاص زیادی در روایات متفاوت و گوناگون ـ روایت‌هایی از آنچه پیش ترها می توانست متن تکینه‌ای نامیده شود ـ ادای سهم می کنند می توان گفت که متن های در گردش ـ Circulating Texts ـ در شبکه، ما حصل فروپاشی ابژه مختوم ـ Finished object ـ هستند. با چنین مشارکت های چندگانه‌ای، نه تنها صورت مادی کاری پراکنده می شود بلکه خود مؤلف نیز مشمول این پراکنش ـ Dispersion ـ می شود. این پراکنشی که در کار مؤلف و نویسنده ایجاد می شود، خود بخشی از پراکنشی عام تر و کلی تر است که «شری تورکل» توصیفش می کند: پراکنش هویت و این‌همانی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]



نمودار ۱. تاثیر عناصر فرهنگی بر تکوین و تحول سبک فناورانه؛ ماخذ: قانعی راد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳.

یـا اراده می‌کنـد. ایـن معنـی، بـه حالت و مرحلـه‌ای از رشـد تکنولـوژی اطلاق شـده اسـت کـه در مقایسـه با زمـان حال، امـری ابتدایی بود. در عـوض فریر می‌گوید تکنولـوژی امروزه نوعی توانایـی و قدرت انتزاعی آفریده اسـت و در همیـن روزگار اخیـر اسـت کـه پرسـش از آنچـه انسـان می‌خواهـد با وسـایل موجود انجـام دهد، مطـرح شـده اسـت. این اندیشـه بـی تردیـد اولاً و قبل از هـر چیـز، بـه افزایـش قیاس‌ناپذیـر فـوق الذکـر در تولیـد بالقـوۀ نیـرو ـ انـرژی ـ اطـلاق می‌شـود. تحـت چنیـن شـرایطی، چنانکـه فریر اسـتدلال کرده اسـت، روح فنـی، امـری مطلـق می‌شـود و دیگـر در خدمـت اهـداف و غایـات نیسـت (گلـن، ۱۳۸۸). «اشـمیت» تعین یافتگـی کار انسـان را بـا «وسـایل تکنیکـی» بـه عنـوان فرآینـدی می‌بینـد کـه در اعصـار گذشـته آغاز شـده، امـا در زمان ما بسـط یافته اسـت. ایـن فرآیند از سـه مرحله می‌گـذرد:

۱- اول فرآینـد ابـزاری، کـه در آن، قـدرت فیزیکـی ضـروری از کار انسـان بـه دسـت می‌آیـد؛ در حالـی که مسـتلزم دخالـت عقلانی انسـان اسـت. تمایزات اشـاره شـده بیـن انـواع گوناگون طرح‌هـای اندامـی، متعلق به ایـن مرحله اسـت.[1]

۲- مرحلـۀ دوم به نظر اشـمیت مربوط بـه کار و قدرت ماشـین اسـت کـه فعالیـت آن، تعیین یافتگی‌هـای تکنولوژیـک قدرت طبیعی انسـان را به وجـود می‌آورد.

۳- در مرحلـۀ سـوم ماشـین خـودکار، حتـی سـهم عقلانـی انسـان با وسـایل تکنولوژیک در آمیخته اسـت تـا وضعیتـی فـرا می‌رسـد کـه در آن نظـام خـودکار ماشـینی می‌توانـد مسـتقل از دخالت‌هـای فیزیکـی یـا عقلانـی مـا بـه کار خـود ادامـه دهـد (گلـن، آرتور، ۱۳۸۸، صـص ۹۹-۱۰۳).

اگـر «فرهنگ» را تحت عنوان علـم، تکنولوژی (معرفت ـ قـدرت) و دموکراسـی در نظـر بگیریم و آنهـا را با هم گـره بزنیـم، بایـد دیـد از لحـاظ جریانـات مختلف چه دیدهـا و چـه نسـبت‌هایی را می‌تـوان بـرای آنهـا متصور شـد. مفاهیـم کلیدی ما دموکراسـی، تکنولوژی و علـم اسـت که همه آنهـا به نحوی فرهنـگ را تعریف می‌کننـد؛ در ایـن صـورت چنـد نکتـه بسـیار آشـکار می‌نمایـد (اعتمـاد، شـاپور، ۱۳۸۳، بنقـل از پایـگاه باشـگاه اندیشـه؛ سـخنرانی در دانشـکده ادبیات و علوم انسـانی دانشـگاه تهران):

۱- اول دیـد **«رمانتیـک»** اسـت که هم بـه تکنولوژی و هـم بـه دموکراسـی، به صـورت منفی نـگاه می‌کند.

۲- دوم، **«لیبـرال دموکراسـی»** اسـت کـه هـم بـه تکنولـوژی و هـم بـه دموکراسـی به طور مشـترک دید مثبـت دارد.

۳- سـوم، «توتالیتاریانیسـم» اسـت کـه بـه تکنولـوژی

۱. طبق گفته «ادموند مانیر» فیلسوف فرانسوی که تکنولوژی های به وجود آمده بعد از جنگ جهانی دوم را تحلیل کرده بود: «ظاهراً در مورد زبان (زبان زمینه گرایی معماری و بنیان های تکنولوژی ساخت در این مرحله تعمیم پذیر است)، ما از دید تکنولوژی غافل بودیم و به نظر می رسد که از امروز، روز به روز از توان تکنولوژی نهفته در زبان بیشتر استفاده می شود.» اما نکته بعد اینکه مسئله ای که در فلسفه علم مطرح می شود، این است که ما نسبت نظریه و مشاهده را چگونه ترسیم کنیم و از دیدگاه های مختلف چگونه می شود به آن نگریست؛ اما آن جنبه تجربی یا پوزیتیویستی قضیه که معطوف به مشاهده بود، این مسئله را مطرح می کرد که ما چگونه می توانیم این مفاهیم علمی را بسازیم و نظریه های علمی را بیان کنیم. طبعاً نظریه غالب این بود که ما می توانیم پله پله از مشاهداتمان حرکت کنیم تا به سطح نظریه برسیم و در قالب نظریه، قوانین نظری را بیان کنیم. در هر صورت چیزی که اهمیت داشت این بود که به نوعی از مشاهده ها به نظریه ها می رسیم.

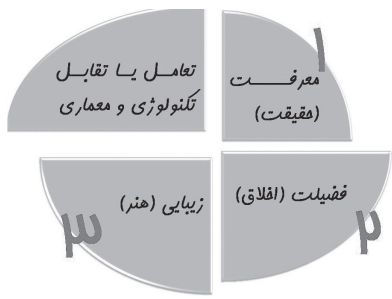
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

نـگاه مثبـت داشـته و از آن اسـتقبال می کنـد، ولـی دموکراسـی را رد می-کنـد و

۴- چهـارم «رفورمیسـم» اسـت که به تکنولـوژی اعتنا نمی کنـد، ولـی بـه دموکراسـی خیلـی زیـاد اهمیـت می دهـد.

تکنولوژی و هنر

مطابـق آنچـه در بخش قبلی مقاله گفته شـد، تقسـیم هنـر و تکنولـوژی هـم بـا توجـه به ایـن مبانـی صورت می گیـرد. مـا دو سـاحت داریم کـه در یکـی کارآمدی برجسـتگی و اهمیت بیشـتری دارد که بدان تکنولوژی می گوییـم و در دیگـری ایـن زیبایـی و تناسـب اسـت کـه اهمیـت و قـرب می یابـد. ایـن در حالـی اسـت که در جهـان قدیـم پیـروی یگانگـی کـه میـان «معرفت» (حقیقـت) و «فضیلـت» (اخـلاق) و «زیبایـی» (هنـر) برقـرار اسـت، آنچـه معرفـت اسـت، زیبـا هم به شـمار می آیـد (امینـی، ۱۳۸۸).



نمودار ۲. نحوه و برهمکنش معماری و تکنولوژی و جنبه های ماهوی متمایزکننده آنها که بنیان بی هویتی در معماری را بوجود آورده است و ناشی از این مولفه ها می شود؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس امینی، ۱۳۸۸.

جـدا کردن هنـر از تکنولوژی مانند هر تقسـیم دیگری مزایا و معایب خاص خود را دارد. حسـن این روش جدا کـردن دو سـاحت و معرفـت اسـت که تا حـد زیادی با هـم تفـاوت دارنـد. ماهیت هنر بـر زیبایی متکی اسـت و ایـن زیبایـی ممکـن اسـت کارآمـدی و بهـره مادی و معیشـتی نداشـته باشـد. بنابراین دو دغدغه وجود دارد که یکی سـاختن بـرای هدفی و دیگری سـاختن بدون غایتـی خاص اسـت؛ آن گونـه که کانت مـی گوید.

«والتـر بنیامیـن»، نظریه پـرداز آلمانی، از نخسـتین کسـانی بـود که کوشـید تکنولوژی را بـه فرهنگ تعبیر کنـد. اندیشـه هایش عمدتـاً از طریـق دوسـت اش بـا «تئـودور آدورنو» تأثیـری دوگانه بر مکتـب فرانکفورت گذاشـت و بـه دلیل همیـن دوگانگی غالباً بـه این تأثیر کـم بهـا داده مـی شـود. اگرچه آدورنـو در همـکاری با «ماکـس هورکهایمـر» در تحلیـل رسـانه ها گرایشـی متفـاوت و آشـکارا بدبینانه تـر از بنیامیـن یافـت، میان آن هـا پیوسـتگی های جالبـی هسـت کـه در پژوهـش های رسـانه هـا به دلیل غفلـت از لحـن انتقادی تر آثار بنیامیـن (۱۹۶۹) عمدتـاً نادیده گرفته می شـود (لزلی ۲۰۰۱). میـان تحلیل هـای «بنیامیـن و مـک لوهـان» همانندهایـی هسـت، از آن رو کـه هـر دو بـر اولویـت مشـکل تأکیـد مـی کننـد. یعنـی هـر دو می کوشـند خواننده را از شـناختن به سـمت تحلیل محتوا بازدارند و پیچیدگی هـای خـود رسـانه را نادیده مـی گیرند. در واقـع براسـاس تعابیر پسـت مـدرن می توانیـم بگوییم کـه «حـس و حـال» آغازگـر چیـزی اسـت کـه دریـدا (۱۹۸۲) آن را نـه بـه سـبب ماهیـت محتوایـش بلکـه بـه دلیـل سـاختارش، «متافیزیـک حضـور» مـی نامد. متافیزیـک حضـور یعنـی فرامـوش کـردن رسـانه؛ آن نـوع فراموشـی کـه هیـچ چیـز به معنـای دقیـق کلمه نـزد مـا حاضـر نیسـت (بـی واسـطگی)، بلکه همیشـه بازنمایـی یـا نمایـش داده مـی شـود (وان لـون ۱۹۹۶ الـف). فراموش کـردن معنا و مفهوم معماری و سـاخت [یـا آنچـه واتیمـو (۱۹۹۲) آن را «توهم شـفافیت» می نامـد] همـان چیـزی اسـت کـه بـرای مثـال موجـب می شـود ادعـا کننـد کـه معمـاری دقیقـاً بـه همـان صورتـی کـه معمـاران می سـازند و یـا بـه عبارتـی «به راسـتی اتفـاق افتـاده اسـت». بـا وجـود ایـن، آمیختن رویـداد و رسـانه صرفـاً نتیجـه «سسـتی فکر» نیسـت بلکـه همـان گونـه کـه ویریلـو (۱۹۹۷) در آسـمان باز گفتـه (و بسـیار پیـش از او هایدگر تلویحاً به آن اشـاره کـرده) وضـع عینـی ذاتی خـود تکنولوژی مدرن اسـت (جاکـوب، ۱۳۸۸، صـص ۸۹-۹۰).

در زمینـه هنـر نیـز، توانایـی فوق العـاده بـرای افزایش

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

جدول ۳. فراتحلیل افکار و نظریات به هویت در دوره های پیش از مدرن، مدرن و فرامدرن؛ ماخذ: مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰.

تبیین معنای هویت		پیش از مدرن	مدرن	پست مدرن
جامعه	قوانین جامعه	اصول سازنده از سوی فرستادگان	قرارداد اجتماعی مبنی بر نظر اکثریت	قرارداد شخصی مبنی بر نظر فرد
	هدف انسان	یافتن هویت الهی واحد	یافتن هویت ویژه واحد برای جهان	یافتن هویت ویژه متکثر برای خویشتن
	رویکرد کلی نسبت به هویت	خدایی بودن	یکی بودن اجباری	خود بودن
	دیدگاه نظری نسبت به هویت	واحد و الهی	واحد و اکتسابی	متکثر و اکتسابی
معماری	مبانی نظری معماری	جهان بینی سنتی و پایبندی به ارزش‌های معنوی و اصل نظم در بینظمی	عملکرد گرایی	کثرت گرائی و برداشت التقاطی از مفاهیم سنتی
	طراحی معماری	معماری منسجم مبتنی بر اصل وحدت در عین کثرت متاثر از محدودیت‌های اقلیمی‌و فنی	ساخت بناهای هم شکل و هندسی طبق استانداردها	تقلیدی از معماری گذشته و معماری مدرن
	ویژگی سبکی	بهره گیری از طاق و قوس، گنبد و مناره به معنی ترجمان فناوری ساخت در آن دوران	بهره گیری از تکنولوژی و ساخت و ساز صنعتی	بهره گیری از نماد، تزئینات، فرم‌های انتزاعی، تقلید معماری گذشته
شهر	تعبیر مردم از معماری شهر	همگرا (در مقیاس خرد)	همگرا (در مقیاس کلان)	واگرا
	ویژگی شهر	معماری ما در مقیاس خرد	معماری ما در مقیاس کلان	معماری من ها
	هویت در معماری	هویت ثابت و منطقه شمول	هویت ثابت و جهان شمول	هویت متکثر

دامنـه دیـد ورای محدودیت هـای طبیعـی کـه حاصل تصاویـر سـینما و عکـس اسـت تأثیری شـگرف بر علم، از جمله علوم رفتاری، گذاشـته اسـت کـه در میان آنها شـاید روان کاوی مشـتاق ترین مصـرف کننـدۀ فیلـم باشـد. پنجـاه سـال پـس از بنیامیـن بودریـار (۱۹۹۰) بـرای ایـن برهـان خـود، کـه پی آمـد اصلی گسـترش چشـمگیر تکنولوژی های دلالت گری متلاشـی شـدن واقعیـت از درون بـوده اسـت، بـه اصطـلاح «واقعیـت بیشـینه» متوسـل می شـود؛ بـه ایـن معنـا کـه «امـر واقعـی» را دیگـر ادراک حسـی مـا مشـروط نمـی کند بلکـه بـه یـک انتـزاع (بـرای علم) یـا مجاز (بـرای عقل فـردی) تبدیـل شـده و از ایـن رهگـذر «شـکل های سـاختاری کامـلاً تـازۀ فاعـل شناسـایی را آشـکار مـی سـازد» (بنیامیـن ۲۳۰: ۱۹۶۹)؛ فیلـم بـا فراهم کردن نمـای نزدیـک چیزهای اطـراف ما، با تأکیـد بر جزئیات پنهان اشـیا آشـنا، بـا کاوش محیـط عـادی پیرامون ما بـه هدایـت خلاقانـه دوربیـن از سـوی درک مـا را از ضروریـات حاکـم بـر زندگـی مـان گسـترش می دهـد و از سـوی دیگـر مـا را از میـدان فـراخ و نامنتظر عمل مطمئن می سـازد (بنیامیـن، ۱۹۶۹، ص ۲۲۹؛ بنقل از جاکـوب، ۱۳۸۸).

تکنولوژی و معماری

معمـاری را مـی تـوان از چهـار بخـش اصلـی متشـکل دانسـت؛ «الـف- فـرم، ب- عملکـرد، ج - تکنولوژی، د- فرهنـگ و محتوا»:

۱- «فرم» عبارت از هندسه و شکل اثر می باشد و

۲- «عملکـرد»، شـامل کاربـری ها و بهـره گیری ها در فضای معماری اسـت.

۳- «تکنولـوژی» شـامل فرآیند سـاخت، تفکر پیرامون نحوه ساخت و مصالـح، تکنیک هـا و سیسـتم های سـاختمانی می باشـد.

۴- «فرهنـگ و محتـوا» نیـز درونمایـه غیرفیزیکـی شـامل مفاهیـم و معانـی مطـرح شـده در اجـزا و کل اثر می باشـد کـه از فرهنـگ، تاریخ، اعتقـادات و مبانی فلسـفی جامعـه و معمـار نشـات می گیـرد (گلابچـی و شـاهرودی، ۱۳۸۹).

بنابرایـن یکـی از اصلی تریـن عناصـر برپاکننـده هر اثر معمـاری، «تکنولـوژی» اسـت. معمـاری در گذشـته و حال از دوگونه تکنولوژی بهره جسـته اسـت، تکنولوژی



نمودار ۳. رابطه تکنولوژی و معماری؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان (۱۳۹۳) بر اساس گلابچی و شاهرودی، ۱۳۸۹.

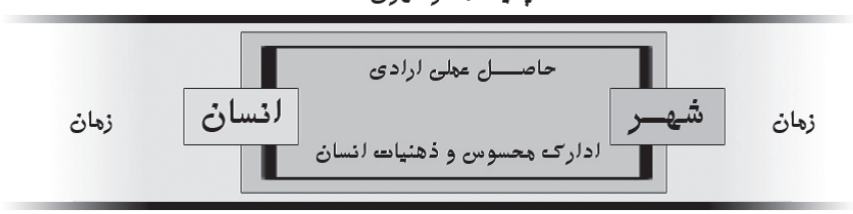
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

سنتی و تکنولوژی مدرن، تکنولوژی های سنتی به ندرت تدوین شده اند ولی تکنولوژی های مدرن همیشه مدرن بوده اند. روش ها در تکنولوژی های سنتی می توانند تشریح شوند، اما فرموله نیستند به مانند اصولی که برای نیازهای متعدد و بسیاری به کار گرفته می شدند. اما تئوری های اساسی تکنولوژی های مدرن وابسته به نیازهایشان هستند. اما علاوه بر تفاوت های مذکور، نحوه به کارگیری و دخالت تکنولوژی های سنتی و مدرن در معماری نیز دگرگون شده و تکنولوژی مدرن زمینه ساز تغییراتی در هویت و محتوای فضاها و عناصر معماری گردیده است (گلابچی و شاهرودی، مقدمه ای بر تکنولوژی معماری، ۱۳۸۹). تکنولوژی در فرهنگ لغات، ابزاری تکنیکی برای رسیدن به اهداف عملی است. تعاریف جدیدتر از تکنولوژی به این امر اشاره می کند که نباید تکنولوژی را محدود کرد و آن را با ابزار و ماشین یکی دانست (وودوارد، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

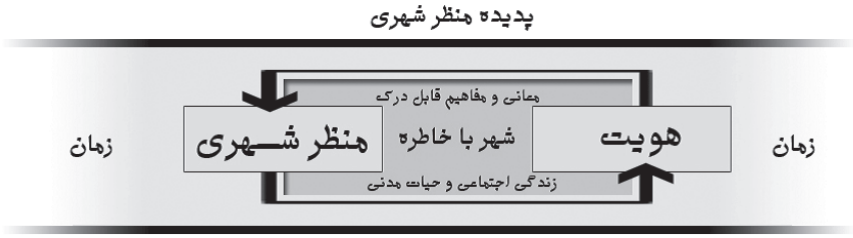
هویت، فرهنگ و معماری

فرهنگ را می توان مجموعه ای پیچیده از دانشها، باورها، هنر و آداب و رسوم یک جامعه دانست (تایلور، بنقل از کورز، ۱۳۷۸، ص ۴۰۱) که مبتنی بر ارزشهایی است که گروهی بر آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می کنند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۵). فرهنگ نظامهای نمادین از گنجینه هایی شناختی از یک اجتماع است که بدست نسلهای پیشین استوار گردد و امروز را در دسترس فردی از آن اجتماع قرار دهد (نولان، ۱۳۸۰، ص ۶۳). هویت را نیز الگوهای رفتاری منحصر بفردی می دانند که سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۲) و بر این اساس برای مردمی که از زمینه فرهنگی دیگری هستند، بیگانه می نماید (گیدنز، ۱۳۷۰، ص ۵۶). هویت، خاص ذات احدیت است و مراد از ذات، آن امر ثابت است و در مقابل غیریت، مطرح می شود (داوری اردکانی، ۱۳۷۵، ص ۱۹). «کالهن» در باب هویت، می گوید: «هیچ مردم بی نامی را نمی شناسیم، هیچ زبان و فرهنگی سراغ نداریم که بین خود و دیگری تمایز برقرار نساخته باشد، نوعی از شناسایی خویشتن که همواره نوعی «ساختن» محسوب می شود، صرفنظر از اینکه تا چه حد همچون یک کشف احساس

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015



نمودار ۴. منظر شهری و معماری نماد درجه تمدن و هویت جمعی اقوام و ملتهاست؛ ماخذ: آتشین تبار، ۱۳۸۸، ص ۵۱.



نمودار ۵. به کارگیری معانی و مفاهیم قابل درک در شهر، تداوم زندگی اجتماعی و شهر با خاطره از نشانه های حفظ هویت در منظر شهری است؛ ماخذ: آتشین تبار، ۱۳۸۸، ص ۵۴.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]



نمودار ۶. ابراز هویت فردی یا کروهی به واسطه محیط ساخته شده و ابراز هویت فرهنگی- اجتماعی به واسطه محیط ساخته شده؛ ماخذ: دامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۵.



نمودار ۷. ابراز هویت فرهنگی- اجتماعی به واسطه محیط ساخته شده و ابراز هویت مطلق معماری؛ ماخذ: دامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۶.

شـود» (کاسـتلز، ۱۳۸۰، ص۲۳).

بـر ایـن اسـاس خویشتن شناسـی در بسـتر زمینه های تاریخـی و فرهنگـی را می تـوان گامـی اساسـی در راسـتای هویت سـازی فرهنگـی بحسـاب آورد، هویتی کـه فرآیند معناسـازی بر اسـاس یـک ویژگی فرهنگی اسـت که بر دیگـر منابع معنایـی الویـت دارد. معماری را نیـز بایسـتی ماکتـی از تاریـخ و گذشـته دانسـت (حجت، ۱۳۷۲، ص ۶۱) که نمایانگر فرهنگ و سـاخت اجتماعـی یـک قـوم فرهنـگ یـا نـژاد خاص اسـت که در بسـتری کالبـدی و فضایـی خـود را می نمایاند. این مهـم بـا ذکر ایـن نکتـه ادراک می شـود که بـا حرکت در فضاهـای سـنتی ابنیـه و شهرسـازی کهـن ایرانـی، شـوری خودبانـی و صیانتی نفسـانی، بر انسـان وجدان می شـود کـه در قالـب شـادابی و سـرزندگی فضایـی خـود را می نمایانـد و بتعبیـر لینـچ، سـیمای شـهر را رقـم می زنـد کـه بـه دیـده می آیـد، بـه ذهن سـپرده می شـود و سـبب شـادی و انبسـاط خاطـر می گـردد (لینـچ، ۱۳۸۱، ص ۵). هویـت فرهنگـی معمـاری را همـان ارزش هایـی رقـم مـی زنـد کـه تنهـا، در بسـتر ابنیـه سـنتی مبتنی بـر زمینه های تاریخـی و فرهنگی که به نام «معماری زمینه گرایی» تسـمیه یافته اسـت، ادراک مـی شـود؛ چـرا که معمـاری به آن دلیل شـکل می گیـرد تـا ارزشـها را در خویـش بپرورانـد و صورتـی کالبـدی بـر آنهـا متصـور شـود کـه اگـر چنین نبـود و معمـاری سـنتی ایرانی فاقـد ارزش می نمـود، معماری ابنیه کهن چیزی بیشـتر از جز مشـتی خشـت و خاک نمی نمـود.

زمینه گرایی و معماری

معمـاری در زمینـه نـه یـک کم توجهـی و نـه یـک نـوآوری افراطـی اسـت، بلکه یـک ارتباط بصری شـیوا و قـوی با محیط اسـت. یک سـاختمان منفـرد در ابتدا بـه عنـوان جزئـی از کل محسـوب مـی شـود. خلـق فضاهـا و مکانهایـی کـه زندگی مردم را بـا کفیت نماید اسـاس کار معمـاران به حسـاب می آید. هر سـاختمان مـی توانـد و مـی بایـد در گفتگـو و تعامـل بـا تاریخی، اعتقـادات و نیازهای زمان و مکان خاص باشـد.به لحاظ تاریخـی، طـرح مباحـث مربوط بـه سـاختارهای جدید در محیط هـای بـا ارزش و تاریخی با ظهـور فن آوری و شهرسـازی جدیـد در قـرن نوزدهـم میلادی هـم زمان اسـت. زیـرا در ایـن دوره تضـاد آشـکار میان شـهرهای سـنتی با مفهوم توسـعه شـهرها به شـیوه جدید بوجود مـی آید. کامیلوسـت از اولین طرفـداران حفاظت بافتها و بناهـای بـا ارزش بیـان مـی کنـد کـه ارزش هـر بنـا بـه محیـط اطـراف آن بسـتگی دارد، موضـوع اصلی در ایـن نظریـه روابـط فضایـی موجـود بیـن بنـا و محیط اطـراف اسـت، نـه روابط کاربـری بناهـا و فضاهای تهی مجاورشـان (قدیـری، ۱۳۸۵، ص ۱۳). هـدف طراحـی شـهری ادراکـی زمینه گـرا، ایجـاد یـک منظـر ذهنـی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

قوی از شـهر اسـت. کانـون توجه آن تحلیـل، طراحی و مدیریـت محیـط هـا با توجـه به کیفیـات قابـل تجربه مـکان اسـت. ویژگی هـای منظـر شـهری ادارکـی- زمینه گـرا عبارتنـد از (گلـکار، ۱۳۹۰؛ و گلکار، ۱۳۸۷):

۱. مطـرح بـودن آن به عنـوان یک سـاختار اجتماعی- فضایی اسـت؛

۲. پدیـداری کـه تنهـا از طریـق تجربـه انسـانی و در تعامـل میـان انسـان و محیـط آشـکار مـی شـود؛

۳. از مفهـوم سـه بعدی فراتـر رفته و لحـاظ کردن بعد معنـا در پارادایم مـکان و فضا؛

۴. مجـدداً خیابـان بـه مثابـه یـک عنصـر معمارانـه و اجتماعـی مـورد توجـه قـرار می گیـرد؛

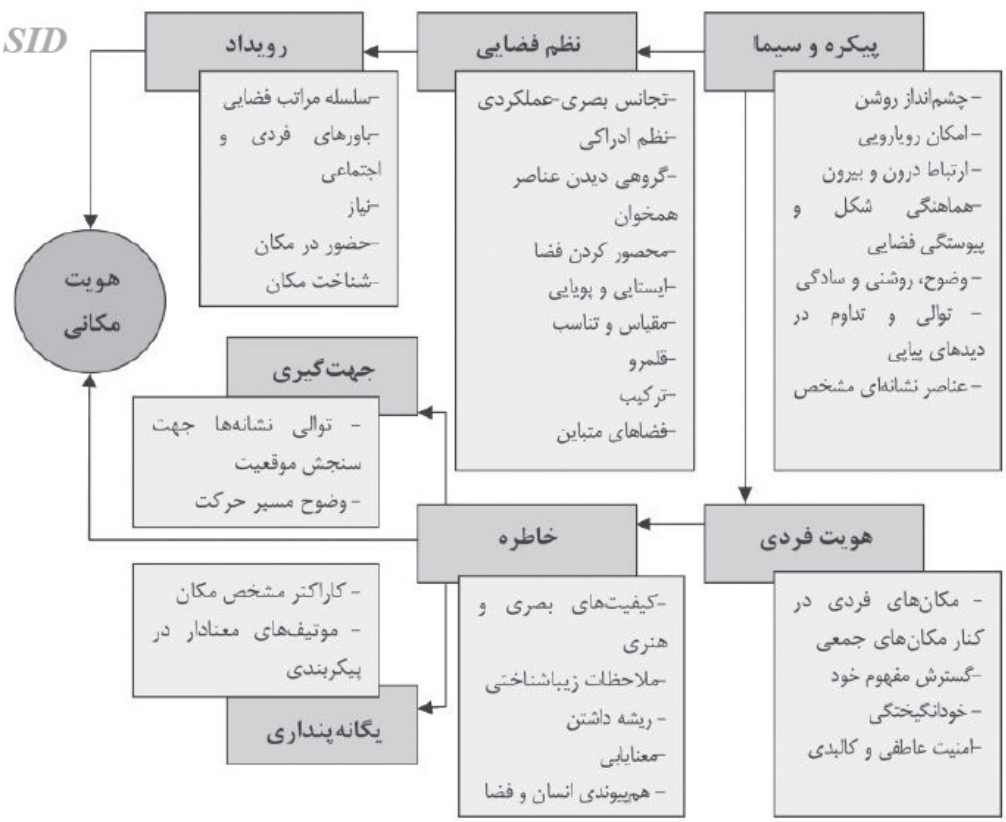
۵. بهـره گیـری از آرایه های سـاختمانی؛ و رنگ مجددا در دسـتور کار طراحان مطرح می شـود؛

۶. حفاظـت از سـاختمانها و بافت هـای ارزشـمند شـهری براسـاس توجـه به اصـل "حس مـکان" صورت می گیـرد؛ و

۷. طـرح اهمیـت مسـئله "حرکـت" در ارزیابـی منظـر شـهری (گلـکار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶-۱۰۷)؛

هـر نسـلی باید نمادهـای قدیمی را که از نسـل قبل به او رسـیده اسـت، مجـدداً تعریف کنـد و مفاهیم قدیمی را بـا عبـارات عصرخـود دوبـاره تبییـن کنـد، چـرا کـه معمـاری بیان فضاسـت به نحوی که در مشـاهده کننده تجربـه معینـی از فضـا در ارتبـاط بـا تجارب پیشـین و آتـی ایجـاد کند (بیکـن، ۱۳۷۶، ص ۲۱).

هـر زمینـه و متـن شـهری دارای مقیاس، حجـم، فرم فضایـی و مصالـح و شـیوه معمـاری و شهرسـازی ویژه خـود اسـت که بـه طراحان حسـاس در خصـوص نحوه مداخـلات کالبـدی رهنمودهـای لازم را ارائـه می کنـد و جوامـع نیز بـه نحـوی کنترل هایی اعمـال می کنند؛ بنابرایـن مباحـث نظـری و فلسـفی اغلـب بـر محـور چگونگـی و کیفیت وقوع این موضوع و نحوه سـازگاری



نمودار ۸. مدل مفهومی برای عوامل شکل دهنده به هویت؛ ماخذ: پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۹.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

و پیوستگی میان بناهای جدید با وضعیت ساختاری موجود است (همان، ۱۳۸۵، ص ۱۲). از نظر ادموند بیکن معماری رنسانس این موضوع بخوبی رعایت شده و موفقیت فضاها و نماهای شهری این دوره را تضمین نموده است. ارتباط بصری، ویژگیهای مرموزی که توسط متخصصین حرفه ای قابل درک باشند نبوده، بلکه ویژگیهای ساده و ابتدایی هستند (آسیابی، ۱۳۸۹). تناسبات پنجره ها، محل قرارگیری درب ورودی، عناصر تزئینی، سبک، مصالح و خط آسمان نمونه ویژگیهایی هستند که بوجود آورنده وحدت و یا عدم وحدت و یکپارچگی یک خیابان، محله یا منطقه می باشند. هر محل برای خود دارای ترکیبی از این عناصر و درجه آزادی برای ایجاد تنوع در طراحی می باشد. یک ساختمان برای تناسب با زمینه و تقویت وحدت بصری منطقه، نیازی به تقلید دقیق شکل و فرم ساختمانهای مجاور ندارد، بلکه می بایستی ویژگیهای مشترک و اساسی معینی را داشته باشد. طراحی در درون زمینه لزوماً به معنی یکنواختی نیست. باید میان تنوع بصری که اغتشاش ایجاد می کند و تنوعی که در آن توان دیده میشود فرق گذاشت. هردوی اغتشاش و یکنواختی ناخوشایند هستند. ارزیابی کیفیت زمینه یکی از موضوعات اساسی در زمینه گرایی است که لازمست به آن پرداخته شود (Brolin, 1980: 148-153).

«مریل گینس» (۱۹۸۰) زمینه را در معماری تحت سه موضوع کلی، «الگوهای فرمی، فعالیتی و اقلیمی» دسته بندی می کند که در زیر به معرفی هر کدام پرداخته می شود (برولین، ۱۳۸۳):

الف) الگوهای فرمی: فرم در اینجا البته عناصری چون فضا، شکل، مقیاس و تناسبات جزئیات مصالح بافت و رنگها را در بر می گیرد. این عناصر در دو بعد جغرافیایی و زمان می توانند برای ارتباط معماری با زمینه اش مورد استفاده قرار گیرند. بعد جغرافیایی را می توان در سه مقیاس مطرح کرد:

۱. ارتباط بنا با بناهای مجاور و در فاصله کاملاً قابل دید و درک. نمونه چنین ارتباط با زمینه اطراف را می توان در نماهای شهری و جانمایی جدید در سایتهای تاریخی شاهد بود؛

۲. مقیاس بعدی زمانی است که بنا نه با محیط لزوما مجاور که با سایت اطراف ارتباط برقرار می کند ؛

۳. سومین اتصال با سایت در مقیاس منطقه ایی قابل حصول است. علاوه بر ابعاد فاصله ایی و بصری بنا می تواند در بعد زمان (گذشته، حال و آینده) نیز با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند.

ب) الگوهای فعالیتی: در زمینه فعالیتها، گردش در فضای سایت بنا رفتار افراد و گروهها از جمله عواملی هستند که می توانند بنا را با زمینه اش مرتبط کنند؛

ج) الگوهای اقلیمی: اقلیم که تاثیر خود را در مصالح، رنگها و بازشوها، فشردگی احجام. فرم آنها، سقف ها و... بروز می دهند. هنر و حساسیت معمار، میزان درک او از ویژگی های فیزیکی و «ذهنی- احساسی» سایت یا «حس مکان» که تنها با حضور و زندگی در یک مکان حاصل می شود به معمار کمک می کند تا این ارتباط را بهتر درک و ایجاد کند. این ویژگی می تواند به عنوان ماهیتی مکتوم در سایت باید توسط معمار کشف می گردد تعبیر شود. هر حوزه، ناحیه وسیعی است که ویژگی های فضایی- شکلی آن با سازماندهی توده ها و فضاها در الگوهای منسجم و دقیق و قابل شناسایی شکل و زمینه تعریف می شود. پنج ویژگی حوزه شامل موارد زیر می گردد:

۱. داشتن مرکز یا مراکز؛

۲. بافت که شامل تراکم و تارو پود می شود؛

۳. مشخص ساختن انواع خاصی از الگوها مثل: الگوهای خطی، متحد المرکز و شعاعی؛

۴. لبه که ممکن است توده یا فضا باشد؛ و

۵. مناطق یا حوزه هایی کوچکتر که در آن گروههای خاص از اشیا یا الگوهای قابل تشخیص اند. زمینه اجتماعی و فرهنگی «مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ایی از ارزشها، باورها، جهان بینی و نظام

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

جدول ۴. رویکردهای کلیت و انسجام فضاهای شهری و شهر؛ ماخذ: یگانه، ۱۳۷۹.

رویکرد	وحدت گرا	کل گرا	سازمندگرا	زیبایی گرا	ساختارگرا	زمینه گرا
مبانی کلیت و انسجام	همگرایی اجزاء متکثر برای پیوستن به کل	اهمیت کل به عنوان منشاء شکل گیری اجزاء	گرایش اجزاء به هنگام شکل گیری برای وابستگی با نظام آفرینش	تاثیر مثبت بصری اجزاء بر یکدیگر	همگرایی فضایی میان اجزاء و کل	همگرایی اجزاء با ارزش های تاریخی و فرهنگ جمعی
عامل تعیین کننده کلیت و انسجام	کشف روابط در نظام آفرینش به عنوان نمودی از وحدت وجود	تبعیت از روابط حاکم بر کل	همگرایی با روندهای طبیعت	هماهنگی و تناسب اجزاء	عناصر فضایی شهر و امکانات ترکیبی آنها در یک محدوده خاص	همخوانی با زمینه کالبدی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی
روش شناسی	روش شهودی بر مبنای دریافت وحدت حقیقی	روش شهودی بر مبنای دریافت نظم نهفته در نظام آفرینش	روش شهودی بر مبنای دریافت روند های طبیعت	روش مطالعه تاریخی بر مبنای استخراج اصول و قواعد گذشته	روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه برای دریافت ساختار ذهنی و عینی	روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه عمیق بر مبنای دریافت معنی
هدف از کلیت	ایجاد کل به عنوان نمادی از وحدانیت خداوند	ایجاد کل یکپارچه با نظمی در هم نفوذ یافته	ایجاد کل هدفمند و سازگار با روند های طبیعت	ایجاد کل آراسته و هماهنگ	ایجاد کل از نظر فضایی به هم پیوسته و خوانا	ایجاد کل معنی دار

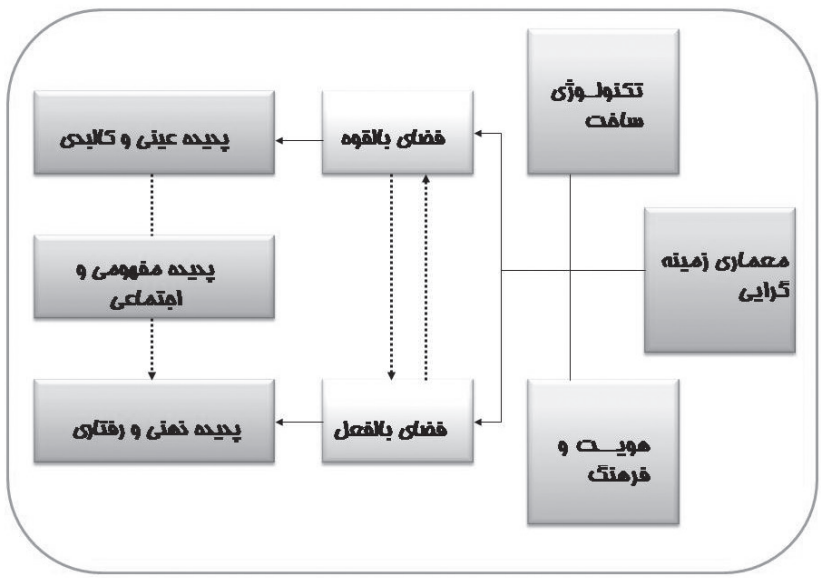
هـای نمـادی مشـترک بـه محیـط خـود معنـی مـی دهنـد و فضـای خالـی را بـه مـکان تبدیل مـی کنند.» (1977;Rapoport)

زمینه گرایـی یکـی از دیدگاه هـای رایج در شهرسـازی اسـت کـه زمینـه را بـه مثابـه رویـدادی تاریخـی مـی پنـدارد. زمینـه گرایـی ابتـدا بـه ابعـاد صرفـاً کالبـدی توجـه داشـت، امـا بتدریـج بـه ابعـاد انسـانی گراییـد و حـوزه مطالعـات خـودرا به وجـوه اجتماعـی- فرهنگی جامعـه گسـترش داد.زمینه گرایـان معتقدند که اجزای کالبدی شـهر زیر پوشـش نیروهـا یا ویژگیهـای درونی خـود نمی باشـند، بلکه بـه محیط و مجموعـه پیرامون آن وابسـته هسـتند (تولایـی، ۱۳۸۰، ص ۳۴). واحـد تحلیـل در ایـن رویکـرد، مطالعـه بناهـا یـا فضاهـا در ارتبـاط بـا عوامـل محیطـی آن اسـت و هرگونـه تغییر و دخالـت در آن هـا نیـز بـه ایـن عوامـل وابسـته مـی باشـد (stokols, 1987: 15-18). در مجمـوع رویکردهای کلـی ای که در مقوله انسـجام شـکل شـهر هـا و توجه بـه زمینـه های محتلف وجـود دارد در جـدول زیر ارائه گردیده اسـت.

انواع زمینه گرایی در معماری نیز عبارتند از:

۱- «زمینه گرایـی کالبـدی»: در زمینه گرایی کالبدی، اجزای شـکل شـهر بـه تنهایـی ارزیابـی و مطالعه نمی شـود، بلکـه در زمینـه وسـیع تـر محیطـی قـرار مـی گیرنـد. یـک اثـر معمـاری بـا نظـام بزرگتـر شـهری مرتبـط اسـت و در سلسـله مراتبی از مجموعـه ها قرار دارد. بنابـر ایـن زمینـه گرایـی پیونـد میان معمـاری و شهرسـازی در زمینـه معین اسـت. گرایش شهرسـازان بـه سـاخت و سـاز در مجموعه موجود بـه معنی در هم بافتـن نـو و کهنـه به نحوی اسـت کـه بتواند یـک زنده و مطلـوب ایجـاد کنـد (Brolin, 1980: 148-153).

۲- «زمینه گرایـی تاریخـی»: تاریـخ گرایـان معتقدنـد کـه گذشـته بـرای شهرسـازی کنونی درسـهایی عینی دارد. اگـر جامعـه ای خود را از گذشـته جدا کند، تلاش انسـان گذشـته را بیهـوده فـرض نمـوده اسـت. انسـان در یـک کلمـه، طبیعتی نـدارد، آنچه دارد تاریخ اسـت. تنهـا فرق میان تاریخ انسـان و تاریخ طبیعی این اسـت کـه تاریخ انسـان هرگز نمـی توانـد از ابتدا آغـاز گردد. پوپـر در ایـن زمینـه مـی گویـد: اگـر بخواهیـم در علم پیشـرفت کنیـم باید بـر روی شـانه های پیشکسـوتان بایسـتیم و سـنت خاصـی را ادامه دهیـم .جوهر جامعه و توسـعه ان بـه سـنت پیوند خـورده اسـت. همان طور کـه فرضیه برای کشـف واقعیـت ها در علم بـه کار می



نمودار ۹. معماری زمینه گرایی و تعامل تکنولوژی و هویت؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

رود، سـنت همیـن نقـش را بـرای جامعـه دارد. گرچـه سـنت قابل نقـد و تغییر اسـت، اما نظمی خـاص ایجاد مـی کنـد و مبنایـی برای عمـل اسـت. (Row&kotter, 119-1978:118)

۳- «زمینه گرایـی اجتماعی – فرهنگی»: زمینه گرایان اجتماعـی- فرهنگـی معتقدنـد کـه فرهنـگ مجموعـه قواعـدی را مـی آفرینـد که شـکل ساخته شـده بازتابی از آن اسـت. مـردم بـه کمـک فرهنـگ یعنـی مجموعه ارزشـها، باورها، جهان بینی و نظامهای نمادی مشـترک بـه محیط خـود معنـی می دهنـد و فضای خالـی را به مـکان تبدیـل می کننـد(Rapoport , 1977: 6) اسـاس نظریـه مـکان درک خصوصیـات انسـانی و فرهنگـی فضـای کالبـدی اسـت. وقتـی فضـا محتـوای فرهنگی می یابـد مکان نامیـده مـی شـود (schultz, 1980:18) بحـث آنهـا بیشـتر برروی معنـی به جای قواعد شـکلی اسـتوار اسـت، زیـرا به نظر آنها شـکل فضایی بـه دنبال معنایـی کـه داشـته ایجـاد شـده و معنـی پدیـده در زمینـه ای کـه ظاهـر می شـود، درک می شـود.

بسـته بـه اینکـه طراحـی بـا چـه هدفـی انجـام گیرد، تـا اینکـه طـراح چقـدر در خلـق یـک اثـر هماهنگ با زمینـه پیرامـون اثـر موفـق باشـد، حالتهـای مختلفـی بوجـود خواهـد آمـد تـا طیفـی از نهایـتِ سـازگاری و تطابـق گرفتـه تـا ناسـاگارترین حالت را شـامل خواهد شـد. جـدول زیـر گونه هـای مختلـف زمینه گرایـی و نازمینه گرایـی را نشـان می دهـد. همانطـور کـه در مباحـث قبلـی اشـاره گردیـد، تعییـن سـازگاری وناسـازگاری یکـی از موضوعـات و چالشـهای اساسـی در ایـن بحـث مـی باشـد، از اینـرو نمونه هـای انتخابی نیـز ممکـن اسـت شـامل ایـن اختـلاف نظر یا سـلیقه شـخصی گـردد.

نتیجه گیری و جمعبندی

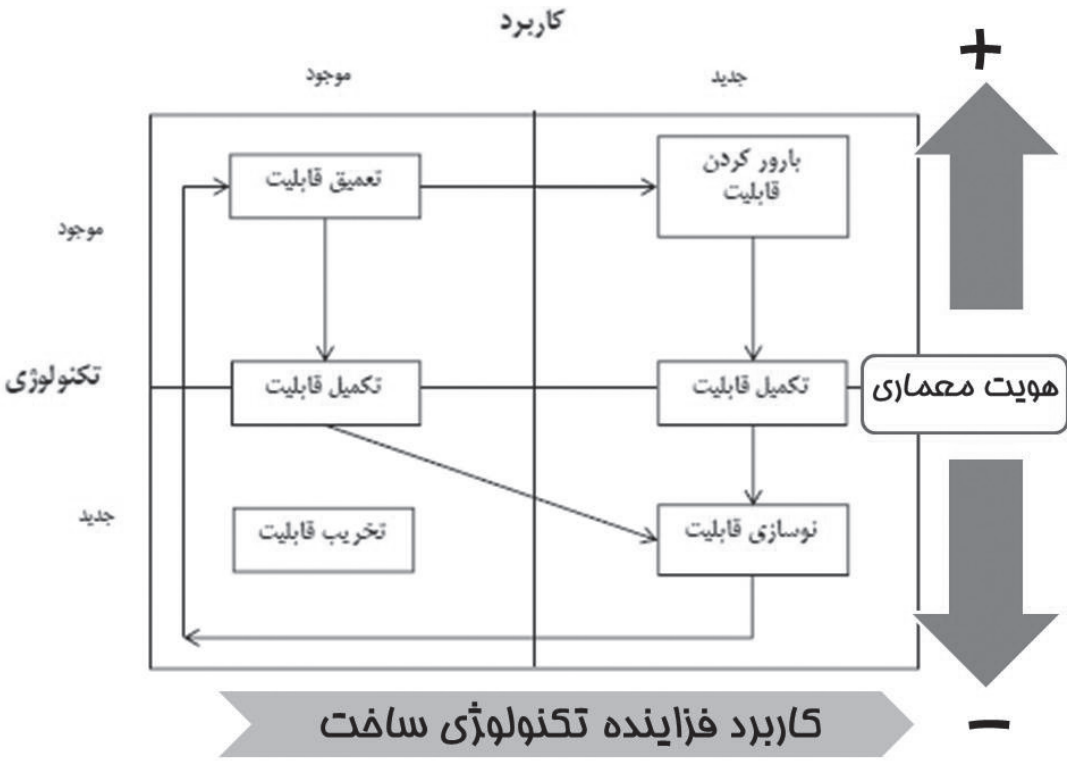
در پایـان باید گفت که تکنولـوژی مدرن در عرصه های مختلـف معماری معاصر ایـران، از تفکر گرفته تا فرآیند طراحـی و سـاخت و در نهایـت در اثـر نهایـی حضـور جـدی دارد و آثـار خـود را در فضاها و اشـکال معماری معاصـر نمایان سـاخته، اما از تاثیرات آن غفلت شـده و بـدان بـه مثابـه ابـزاری خنثی و بی اثر نگریسـته شـده و ایـن درحالـی اسـت کـه اثـر تفکـر تکنولـوژی مدرن حتـی بر شـیوه طراحـی و تکنولـوژی سـاخت معماری نیز آشـکار اسـت. لـذا مباحثی کـه پیرامـون تکنولوژی و سـازه مناسـب در برخـی از آثار، بالاخـص در معماری معاصـر غـرب مطرح می گردد، دلیلی بـر پذیرش مبانی نظـری آن نبـوده بلکـه تاکیـدی بر چگونگـی هم آوایی تکنولـوژی و سـازه با معمـاری در راسـتای مبانی مورد نظرشـان می باشـد و هدف، یافتن شـیوه دسـت یافتن بـه چنین مقصودی میر باشـد. از سـویی دیگر، معماری آن تـوان را دارد کـه بر فرهنـگ جامعه تاثیر گذارد و در این بسـتر اسـت که بایسـتی بعنوان عنصـری فرهنگی، خـود نیـز هویت سـازی نمایـد. ایـن خـود مـی رسـاند کـه معمـاری ماننـد دیگـر عناصـر اجتمـاع بلکـه فراتر از آنهـا می توانـد بعنـوان عنصری فرهنگـی در تعامل با سـاختار اجتماعـی، عنصـری هویت پذیـر و هویت سـاز قلمـداد شـود. ایـن امـر در عصـر جدیـد بایسـتی مورد توجـه قـرار گیـرد که معمـاری و شهرسـازی همـراه با تاثیـر و تاثـری در سـاختار هویت فرهنگـی خواهد بود. در عصـر جهانـی شـدن، عدم توجـه کافی بـه بنیانهای فلسـفی بـا ریشـه های تاریخـی ارزشـهای معنـوی و مـادی موجب شـده بـا رویکرد علـوم جدیـد برخوردی منفعـل داشـته باشـیم. تـا هنگامی که مفاهیـم متعالی نـزد مـا صرفـا بازدهـی بیشـتر، سـهولت کاربردی تـر و رسـیدن بـه اهـداف اقتصادی و مانند آن داشـته باشـد، قطعـا بـه دلیـل عدم شـناخت عمیـق از فنـاوری دچار مشـکلاتی خواهیـم بـود. در دنیـای معاصر کـه تمامی امـور زندگـی بـه نحـوی بـا فنـاوری مـدرن در ارتبـاط اسـت، بـه جای نگاه سـطحی به فناوری بایـد به مفهوم آن پرداخـت و بـه جایـگاه فنـاوری در دنیـای کنونی و رابطـه ای کـه بـا انسـانها برقرار مـی کند اندیشـید و با توجـه بـه تغییراتـی کـه فنـاوری در جامعـه، جهـان و ارزشـهای آدمـی بوجـود مـی آورد، جایـگاه آن را بیـن انسـان و جهـان تعیین کـرد. فناوری با سـرعت و بدون توقـف جریـان دارد و ایـن در حالـی اسـت کـه بعـد از گذشـت سـالهای بسـیار از فناوری ما هنـوز ماهیت آن

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

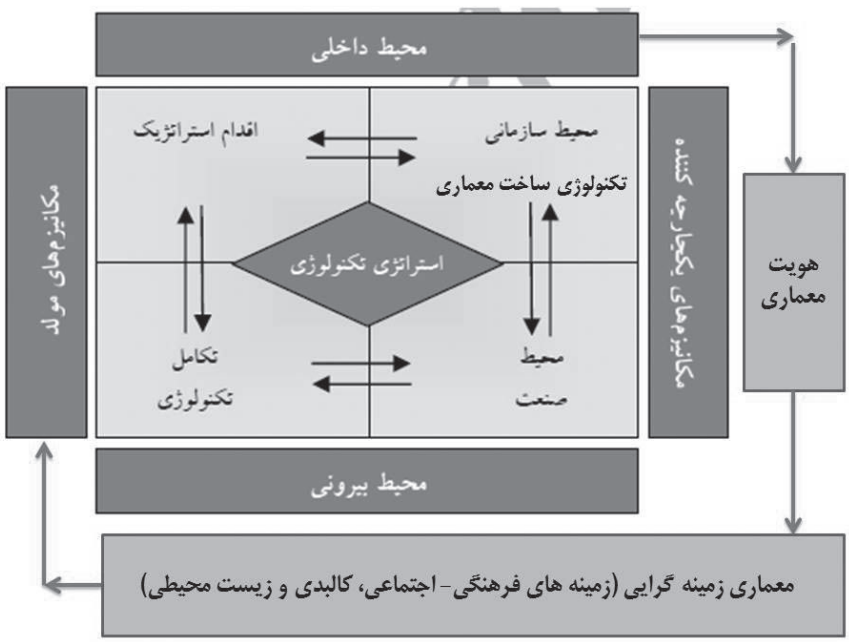
جدول ۵. گونه های مختلف معماری در زمینه و میزان انطباق با تکنولوژی های نوین؛ ماخذ: یافته های نهایی تحقیق.

نوع معماری در زمینه	ویژگیها و مولفه های شناسایی	میزان انطباق با بهره گیری از تکنولوژی های نوین ساخت
کاملاً زمینه گرا	طراحی بنا بگونه‌ای است که مافوق زمینه بلافاصل خود بوده و تاثیرش تا آنسوی حوزه زمینه موجود ادراک می شود. در عوض برای خودش ایجاد زمینه می کند. نقش مهمی در هویت شهر ایفا نموده و به احتمال بسیار زیاد تبدیل به یک شمایل می گردد.	استفاده از تکنولوژی نوین صرفاً و صرفاً به شرط تلفیق با زمینه های موجود که نشان ماهوی بستر طرح هستند، بلامانع است و هرگونه بهره گیری از تکنولوژی جدید مغایر با طرح ممنوع است.
عمیقاً زمینه گرا	طراحی ساختمان به محیط پیرامون بخوبی جوابگوست. بدون گسستگی با محیط ترکیب می شود البته نه در جهت حفاظت از زمینه بلکه در جهت ارتقاء آن.	هرنوع بهره گیری ممنوع به نظر می رسد. لذا نیازمند رویکردهای حفاظتی-مرمتی و غیر قابل تعمیم دهی به فضاهای ساخت جدید خواهد بود.
حالتی بین دو وضعیت بالا	ساختمان درنظر اول نشان دهنده توجه زیاد به خود به عنوان نتیجه ای از یک طراحی عالی است. اما در اصل به نوعی دیگر زمینه گراست. یقینا به تنهایی به عنوان یک شمایل است اما بدلیل احترام به زمینه قابل تقدیر است.	استفاده از تکنولوژی ساخت جدید به شرط عدم شمایل گرایی و مجسمه گرایی در طرح معماری و شاکله کلی بنا اشکالی ندارد.
کاملا نازمینه گرا	طرح بنا در درک و توجه به زمینه ورود پیدا نکرده، ضمن اینکه نتواسته بر آن تفوق داشته باشد. در نهایت این نوع بناها به طور ناجور دیده شده و بدون تبدیل شدن به شمایل و ناتوان از ایجاد یک زمینه در متن شهر می باشد. نمونه اینگونه بناها در ساختمانهای مدرن که به واحدهای همسایگی تجاوز کرده و خود را به طرز قابل بخشش تحمیل کرده است.	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت بلامانع است؛ چراکه هیچ راهکاری نمی تواند وضع موجود را بهتر کند؛ لیکن تلاش شود تا تکنولوژی بتواند به تعمیق احتمالی زمینه های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.
نازمینه گرای موفق	ساختمان همانند یک انگشت زخمی بیرون زده است. اما طرح بنا معمار را به عنوان فردی خلاق معرفی می کند. معولا این کار از روی قصد و برنامه ریزی قبلی است و بنا به تنهایی جلوه خوبی دارد زیرا که قصد آن جذب مخاطبان صرفا به بنای مورد نظر است، فارغ از زمینه.	ضمن توجه زمینه های ماهوی، هویتی و فرهنگی سایت و بستر طرح قابل کاربست است.
نازمینه گرایی ناخواسته	در این نوع نازمینه گرایی سعی معمار خلق معماری با توجه به زمینه و درک محیط است اما به دلایلی در آن موفق نمی شود. از جمله بدلیل طراحی ضعیف، نقص در برقراری ارتباط با محیط، یا ترکیبی از هردو.	تکنولوژی نوین می تواند از زمینه های موجود فرهنگی و هویتی برای کاهش میزان نازمینه گرایی ناخواسته طرح، استفاده کند.
زمینه گرایی مطیعانه	طرح ساختمان، عناصر محیط و همسایگی را بخوبی منعکس نموده و ساختمان با منظر کلی خیابان بصورت یکپارچه ترکیب می شود. این موضوع با هدف قرارگیری مسالمت آمیز ساختمان در درون زمینه خود انجام می گیرد.	باید با عناصر محیطی و همسایگی ها هماهنگ باشد و تنها در اینصورت تکنولوژی می تواند استفاده شود.
زمینه گرای سبک شناسانه	طرحی بنا بگونه است که آنرا بر اساس دوره زمانی که ساخته شده و همچنین بر اساس سبک غالب که بر معماری آنجا حاکم است، زمینه گرا می نماید. ما اغلب اینگونه ساختمانها را زمینه گرا می نامیم چون بخوبی سبک شان را بازگو می کنند بدون اینکه نیازی به باز تعریف سایر ساختارها و نمونه ها باشد.	تنها در صورت هماهنگی با سبک شناسی معماری و بناهای تاریخی و بستر موجود بلامانع است و باید از هر نوع تفاوت یا تلفیق های سبکب یا اکلکتیزم در بستر طرح پرهیز شود.



نمودار ۱۰. کاربرد فزاینده تکنولوژی در معماری بدون درنظرگیری زمینه های فرهنگی و اجتماعی (معماری زمینه گرا) باعث بی هویتی حداقل مقطعی در بناهای معماری می شود؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015



نمودار ۱۱. مدل مفهومی نحوه تعاملِ هویت، تکنولوژی های نوین ساخت و معماری زمینه گرایی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

را بدرستی نمی دانیم.
در عین حال باید گفت که، در چالش فی مابین تکنولوژی و هویت معماری و تاکید بر بهره گیری از زمینه های موجود در فرهنگ حاکم بر طراحی و تولید معماری، دانشمندان مباحث استراتژی توسعه و تصمیم گیری در این مقوله را انتخاب نقطه صحیح و مطلوب از یک معما می‌دانند که بنا بر عامل هایی چون محیط سیستم، ارزش‌های حاکم بر آن و منابع در دسترس و اولویت بندی‌ها می‌توان نقطه مطلوب را تعریف و روش رسیدن و مراحل رسیدن به آن را مشخص نمود. دانشمندان خط مشی گذاری عمومی، رویکردهای عمده به این مقوله را بر اساس اینکه: رویکرد منفعلانه باشد یا تهاجمی؛ و جامع باشد یا بخشی، در چهار دسته متفاوت دسته بندی کرده اند. رویکردهای منفعلانه و بخشی محکوم به شکست توصیف شده اند؛ چه اینکه تمامی ابعاد مسئله را در نظر نمی گیرند و معمولا به علت بروز بحران در یک بخش خود را به سیستم تحمیل می‌کنند و رویکردی منفعلانه را جهت مقابله با آن برای سیستم ایجاب می‌کنند. رویکردی تهاجمی و با نگاه جامع و سیستمی، تنها رویکردی است که پاسخگوی نیاز کشورمان در عصر حاضر است و جدا از اینکه چه دولتی بر سر کار است، می‌بایست برای آن برنامه ریزی شود. بر این اساس، معماری زمینه گرا تلاشی برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلان تر از معماری است و پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است و نشان می دهد که این توجه میتواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت کننده باشد. زمینه گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی- فرهنگی است که بر طبق آن ایده ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. درک ویژگی های مکان و استفاده از آنها در فرایند طراحی در ایجاد محیطی با تداوم بصری مناسب لازم است .به طور کلی در طراحی متناسب باز مینه باید به شکل کل از قبل موجود، به میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان؛ و به معانی، ارزشها و اهداف مشترک، توجه داشت چراکه پیچیدگی تولید شهر نشان می دهد تکنولوژی بنیان و اساس کافی برای ساختار شهر نیست هر چند که خرد تولیدی به ساختن شهر کمک می کند اما به تنهایی برای تهیه امکانات و تسهیلات متنوع و نیازهای گوناگون کافی نیست. اینکه چه چیزی لازم است، یک فهم عمومی و یک استفاده آگاهانه از تکنولوژی، هم در فهم و تشریح پدیده شهری و هم در شکلدهی معماری و ساخت آینده شهرها و بهره‌گیری متناسب از تکنولوژی های نوین ساخت در بستر و زمینه طراحی و ساخت بناهای معماری خواهد بود.

منابع و ماخذ

۱. آسیابی محمد (۱۳۸۹) درک و بیان محیط شهری، تهران، انتشارات طحان- هله.
۲. آتشین تبار، محمد (۱۳۸۸) تداوم هویت در منظر شهری، نشریه باغ نظر، تهران، شماره ۱۲.
۳. اسدی محمدرضا و مهدی موسوی مهر (۱۳۸۹) ماهیت تکنولوژی در فلسفه هایدگر، نشریه حکمت و فلسفه، سال ۶، شماره اول.
۴. اعتماد، شاپور (۱۳۸۳) سخنرانی در باب مفهوم هویت در تکنولوژی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، درج شده در سایت باشگاه اندیشه؛ زمان برداشت: نگارنده، ۱۳۹۳.
۵. اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵) حکمت و هنر معنوی، تهران، انتشارات گروس.
۶. امینی، شیدا (۱۳۸۸) بحثی در نسبت تکنولوژی و هنر، روزنامه قدس، ۱۴ شهریور ۱۳۸۸.
۷. برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، سازگاری ساختمان های جدید با قدیم، ترجمه راضیه رضا زاده، انتشارات نشر خاک.
۸. بورکهارت، ابراهیم (۱۳۶۹) هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش.
۹. بیکن، ادموند (۱۳۷۶) طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

شهرسازی و معماری ایران.
۱۰. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۰) پدیدارشناسی هویت و مکان در بافتهای تاریخی، مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره ۳.
۱۱. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۱) هویت و مکان: رویکرد پدیدارشناسانه، نشریه هویت شهر، شماره ۱۰.
۱۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۸) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلام حسین معماریان، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۳. تولایی، نوین (۱۳۸۰) زمینه گرایی در شهرسازی؛ نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ شماره ۱۰.
۱۴. جاکوب، دیوید (۱۳۸۸) رسانه و فلسفه تکنولوژی، مترجم امین حامی خواه، درگاه اینترنتی باشگاه اندیشه.
۱۵. جعفری، عاطفه و دیگران (۱۳۹۲) نقش تکنولوژی های بومی در کیفیت فضاهای مسکونی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱.
۱۶. حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۶۹) تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۱۷. دامیار، رضا (۱۳۹۳) رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری؛ نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶.
۱۸. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳) معرکه جهان بینی ها، در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب.
۱۹. رهبرنیا و زهرا رهنورد (۱۳۸۵) مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی، هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
۲۰. سلطانزاده، حسین (۱۳۷۰) فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۲۱. شارون، جوئل (۱۳۷۹) ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۲. شاهرودی عباسعلی، گلابچی، محمود (۱۳۸۶) مقدمه ای بر معماری و تکنولوژی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. شوای، فرانسواز (۱۳۷۵) شهرسازی واقعیات و تخیلات، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. قانعی راد، محمد (۱۳۸۸) دوگانگی های فرهنگی تکنولوژی، نشریه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸.
۲۵. قدیری، بهرام (۱۳۸۵) ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۲۶. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
۲۷. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، با مقدمه مهدی حجت، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۲۸. کورز، لوئیس آلفرد (۱۳۷۸) نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۲۹. کونل، ارنست (۱۳۶۸) هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس.
۳۰. گلابچی، محمود و عباسعلی شاهرودی (۱۳۸۹) مقدمه ای بر تکنولوژی و هویت، روزنامه اعتماد ملی؛ به نقل از پایگاه هنری تبیان؛ زمان دریافت فایل: ۱۳۹۳/۸/۲؛ به نشانی: www.tebyan-zn.ir/Art.html
۳۱. گلکار، کورش (۱۳۸۷) محیط بصری شهر، نشریه علوم محیطی، سال پنجم، شماره ۴.
۳۲. گلکار، کورش (۱۳۹۰) آفرینش مکان پایدار، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳۳. گلن، آرتور (۱۳۸۸) تکنولوژی به عنوان پدیده ای فلسفی، مترجم: منوچهر صانعی، ماهنامه حکمت و معرفت، شماره ۷، پیاپی ۳۷.
۳۴. گنون، رنه (۱۳۶۵) سیطره کمیت، ترجمه علی محمدکاردان، تهران، مرکز نشردانشگاهی.
۳۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

منوچهـر صبـوری، تهـران، نشـر نی.
۳۶. عبدالکریمـی، بیـژن (۱۳۸۷) فلسـفه تکنولـوژی چیسـت؟، روزنامـه اعتمـاد، شـماره ۱۸۵۱.
۳۷. محمودنـژاد، ابراهیـم (۱۳۸۰) مدیریـت بر آینده با تکنولـوژی فردا، انتشـارات انسـتیتو ایز ایران.
۳۸. محمـودی نـژاد، هـادی (۱۳۸۹) نقـد هایدگـر از تفکـر تکنیکـی، روزنامـه جهان امـروز، شـماره ۱۱۸۹.
۳۹. معماریان، غلام حسـین (۱۳۷۱) معماری مسکونی ایرانی، گونه شناسـی برونگرا، تهران، انتشـارات دانشگاه علـم و صنعت ایران.
۴۰. مهـدوی نژاد، محمدرضا و دیگـران (۱۳۸۹) هویت معمـاری، تبییـن هویـت در دوره های پیـش از مدرن، مدرن، و فرامدرن، نشـریه هویت شـهر، شـماره ۷.
۴۱. ناجـی، سـعید (۱۳۹۲) روح تکنولـوژی مـدرن و جایـگاه تفکـر در مدارس، نشـریه تفکر و کودک، سـال چهارم، شـماره اول.
۴۲. نصـر، سـید حسـین (۱۳۸۰) معرفـت و معنویـت، ترجمـه انشـا الله رحمتی، تهـران، دفتر پژوهش و نشـر سهروردی.
۴۳. نصر، سیدحسـین (۱۳۷۵) هنر و معنویت اسلامی، ترجمـه رحیم قاسـمیان، تهـران، دفتر مطالعـات دینی هنر.
۴۴. نـولان، پاتریـک و گرهارد لنسـکی (۱۳۸۰) مقدمه ای بـر جامعـه شناسـی کلان، ترجمـه ناصـر موفقیـان، تهـران، نشـر نی.
۴۵. وفامهـر، محسـن (۱۳۹۲) سـیری در اندیشـه های تکنولـوژی معماری، انتشـارات دانشـگاه امـام رضا (ع)، تهران.
۴۶. یگانـه، منصـور (۱۳۷۹) زمینه گرایـی در معماری، نشـریه راه و ساختمان، شـماره ۱۳، تهران.

47. Albert Borgmann, Crossing the Postmodern Divide (Chicago: University of Chicago Press, (1992 88.
48. Aristotle(1998), The Nicomachean Ethics, Oxford: Oxford University Press, Book V1,4,1139b-31 1140a20,p.141.
49. Ashihara,Y(1983),The aesthetic Townscape. Trans. Lynne E.Riggs, Cambridge :Mit press.
50. Audi .R (1995), The Cambridge Dictionary of Philosophy, Cambridge: Cambridge University Press, 1995, p.796.
51. Borden.I.& DDunster(1995) architecture and the sites of history: interpretation of building &cites. Oxford: Butterworth architecture.
52. Bremner,L (1994)" space &the nation: three texts on aldo rossi",socity &space , No.12,pp: 300-287
53. Brolin, B.C (1980) architecture in context: Fitting new building with old. New York: van Nostrand Reinhold.
54. Geddes, p(1968)cites in Evolution: an introduction to the Town planning Movement and to the study of cities.london: Emesst Benn Limited .
55. Hiller, B&hanson(1984) the social Logic of space Cambridge : Cambridge university Press.
56. Hutchinson,D.C,(1995), Ethics, in Barnes (ed.) The Cambridge Companion to Aristotle , Cambridge: Cambridge University Press, 1995, p.206.
57. Madnipour,Ali(2007), Designing the City of Reason, London, Routledge Press.
58. Martin Heidegger, "Science and Reflection", The Question Concerning Technology and Other Essays 172.
59. Martin Heidegger, "The Question Concerning Technology," The Question Concerning Technology and Other Essays, Trans/ William Lovitt (New York: Harper & Row, 5 (1977.
60. Martin Heidegger, "What are Poets for?" Poetry, Language, Thought (New York: Harper & Row (1971 112.
61. Martin Heidegger, Discourse on Thinking, trans. M.Anderson and E.Hans Freud (New York: Harper & Row, 54 (1966.
62. Martin Heidegger, Nietzcshe, Vol. 4 (New York: Harper & Row, 28 (1982.
63. Stokots ,D& I.Altman(1987) handbook of environmental psychology . New Yourk : John wiley & Sons.
64. Waterhouse , A 91978)Boundareles of the city: The Architecture of Western Urbanism. Toronto: University Press.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]